

نگاهی دیگر به انقلاب ۵۷

متن تدوین شده گفتگو با حمید تقوایی در برنامه پاسخ در تلویزیون کانال جدید، صفحه ۳



آخر سال و اعتراضات گسترده بر سر مزد

گفتگو با شهلا دانشفر در برنامه خط رفاه در کانال جدید، صفحه ۹

مراکز نفتی یک سنگرمهم اعتراضات کارگری

منصور کارگر ارکان ثالث، صفحه ۱۸

انقلاب یعنی اراده پایینی ها

یاشار سهندی، صفحه ۷

ایران خودرو، سرقت اموال مردم با اسم رمز "واگذاری"

کارگر کارگاهی - حمید دائمی، صفحه ۱۲

اعتراضات بازنشستگان تامین اجتماعی و فولاد و اخباری دیگر صفحه ۸

تجمع با شکوه و مشترک بازنشستگان در کرمانشاه

"دشمن ما همینجاس، دروغ میگن آمریکاس"، صفحه ۱۳

تجمع کارگران رسمی نفت در لاوان و چند خبر دیگر صفحه ۱۶

تجمع و راهپیمایی کارگران ارکان ثالث شرکت پالایش گاز فجر جم صفحه ۱۶

۱۶ بهمن: سه شبه های نه به اعدام، تجمعات کارگران کارون بزرگ، کارگران پروژه تصفیه

فاضلاب کرمان، و بازاریان تهران صفحه ۱۷

تجمعات بازنشستگان مخابرات، کارگران ارکان ثالث، شرکت چرخشگر، و اخباری دیگر صفحه ۱۷

جنبش علیه اعدام و پنجاه و چهارمین سه‌شنبه‌های اعتراضی - شهلا دانشفر صفحه ۱۶

جنبش علیه اعدام و پنجاه و چهارمین سه‌شنبه‌های اعتراضی صفحه ۸

دلار ۹۲ هزاری و فضای انفجاری جامعه - شهلا دانشفر صفحه ۱۸

کارگر کمونیس‌ت

درباره مسائل جنبش کارگری

حزب کمونیست کارگری ایران

سردبیر: شهلا دانشفر

shahla.daneshfar2@gmail.com

۸۷۰

۲۲ بهمن ۱۴۰۳

۱۰ فوریه ۲۰۲۵



دوشنبه ها منتشر میشود

دادخواهان زندگی، نمی بخشند!

مهران محبی، صفحه ۶

اطلاعیه پایانی پلنوم ۵۹

کمیته مرکزی حزب

کمونیس‌ت کارگری ایران

صفحه ۲

اعاده دادرسی پرونده

پخشان عزیزی رد شد!

صفحه ۸

کارگران در هفته ای که

گذشت، صفحه ۱۴

تنظیم: کارگر کمونیست

از خوزستان خبر میرسد

صفحه ۱۵





اطلاعیه پایانی پلنوم ۵۹ کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران

پلنوم ۵۹ کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران در روزهای ۱۱ تا ۱۴ بهمن ۱۴۰۳ (۱ تا ۳ فوریه ۲۰۲۵) با حضور اعضا و مشاورین کمیته مرکزی برگزار شد. در این پلنوم که بصورت آنلاین- ویدیویی برگزار شد اعضا و کادرهای حزب نیز دعوت شده بودند. پلنوم با پخش سرود انترناسیونال و یک دقیقه سکوت به یاد جانباختگان راه آزادی و سوسیالیسم شروع شد و بعد از سه روز بحث و تبادل نظر و تصمیم گیری های لازم با موفقیت به کار خود پایان داد.

حمید تقوایی لیدر حزب در سخنرانی افتتاحیه به پیام "ما همه با هم هستیم" در کنگره دوازدهم حزب که ۸ ماه قبل از آغاز انقلاب زن زندگی آزادی برگزار شد اشاره کرد و گفت آن پیام فراخوان همراهی و همبستگی به جامعه ای بود که چند ماه بعد یکپارچه و متحد در انقلاب زن زندگی آزادی بپاخواست و کل حکومت جمهوری اسلامی را بچالش کشید. او گفت امروز این همبستگی در هزاران جمع و تشکل و شبکه های مبارزاتی که در دل جنبش زن زندگی آزادی بمیدان آمده اند تعیین یافته است و وظیفه امروز حزب همراه و متحد و همبسته کردن هرچه گسترده تر و مستحکم تر این نهادها و دست اندرکاران انقلاب زن زندگی آزادی و جنبشهای اعتراضی در داخل و خارج کشور است.

بدنبال تصویب آیین نامه و دستور جلسات، اصغر کریمی رئیس هیئت اجرایی حزب گزارشی از موضع گیری ها و رویکرد حزب در این دوره و فعالیت حزب در داخل و خارج کشور ارائه داد. گزارش ارگانها، فونکسیونها و کارزارهای مختلف قبل از پلنوم به اعضا و مشاورین کمیته مرکزی ارسال شده بود. رئیس هیئت اجرایی حزب بر صحت و استحکام مواضع سیاسی، رویکرد اجتماعی و پراتیک گسترده حزب در داخل و خارج کشور تاکید کرد. این مجموعه هم به تقویت جنبشهای اعتراضی و هم به تحکیم رابطه حزب با فعالین جنبشهای مختلف منجر شده است. او بویژه به نقش کمیته سازمانده و سازمان جوانان در داخل کشور که بطور قابل توجهی گسترش یافته اند و به تشکیلات خارج کشور حزب، کانال جدید و به کارزارهای گسترده علیه حجاب و آپارتاید جنسیتی، جنبش علیه اعدام و آزادی زندانیان سیاسی اشاره کرد. همچنین به بهبود قابل توجهی که در فعالیت تشکیلات کردستان حزب ایجاد شده است. او از فعالین حزب در داخل و خارج کشور که با فعالیت شبانه روزی خود از یکطرف به تحکیم اتحاد میان فعالین زن زندگی آزادی و شکل دادن یا تقویت ظرفهای مبارزاتی و از طرف دیگر گسترش نفوذ سیاسی و تشکیلاتی حزب مشغولند از جانب حاضرین در پلنوم حزب قدردانی نمود.

حسن صالحی رئیس دفتر سیاسی حزب در سخنرانی خود ضمن اشاره به حضور فعال حزب در جنبشهای اجتماعی و جبهه های مختلف نبرد علیه جمهوری اسلامی در ایران، از جنبش کارگری و معلمان و بازنشستگان تا جنبش دفاع از حقوق زنان و کودکان و جنبش علیه اعدام و جنبش ضد مذهبی، گفت حزب عملاً نشان داده است که نیروی دلسوز و موثری است که برای تقویت و پیشروی همه این جنبشها تلاش می کند. این حضور فعال در عین حال این امکان را بوجود آورده که در رابطه ای دو طرفه میان مردم و فعالین حزب، حزب بعنوان نیروی متحد کننده انقلاب و قابل اعتماد به مردم شناخته شود. وی در پایان سخنان خود تاکید کرد که این تنها حزب کمونیست کارگری است که می تواند به تفاوت طبقاتی در جامعه پایان دهد و کارگران را از چنگال فقر و تنگدستی نجات دهد چرا که نیروهای راست همگی در فکر استثمار بیشتر کارگران و قربانی کردن زندگی آنها در خدمت منافع سرمایه داری هستند.

کیان آذر دبیر سازمان جوانان کمونیست با اشاره به شرایط متحول ایران در هشت

ماه گذشته که با آغاز جنگ حکومت علیه زنان، گسترش اعدامها و درگیری های مستقیم جمهوری اسلامی و دولت اسرائیل، و حمله شدیدتر به معیشت مردم در سطح جامعه آغاز شد، جهت گیری و رؤس اقدامات سازمان جوانان کمونیست در این دوره را چنین برشمرد: تاکید بر گفتمان تداوم انقلاب زن زندگی آزادی و فعال نگه داشتن تشکلهای و دست اندرکاران و بویژه نیروهای جوان پیش برنده آن برای پشت سر گذاشتن طوفان حملات رژیم به انقلاب؛ و ایجاد، گسترش و استحکام رابطه سیاسی و پراتیک میان این تشکلهای و فعالین حول یک خط رادیکال و متحد کننده. او اضافه کرد که نمایندگی سیاسی جوانان و دانشجویان و دانش آموزان در متن انقلاب زن زندگی آزادی، دخالت در گفتمانهای کلان سیاسی موجود، و تسریع روند پرورش و آموزش سیاسی و پراتیک کادرهای جوان کمونیست کارگری در داخل کشور از محورهای و اقدامات این دوره سازمان جوانان بوده است.

بدنبال این سخنرانی ها مسئولین کمیته های سازمانده، کردستان، آذربایجان، خارج کشور، سازمان جوانان، مدیر تلویزیون کانال جدید، مسئولین مالی و همینطور بیست نفر از مسئولین سایر ارگانها و عرصه ها گزارش فشرده ای از حوزه فعالیت خود ارائه دادند و اعضای کمیته مرکزی و همینطور کادرها و اعضای شرکت کننده در پلنوم نقطه نظرات و پیشنهادات خود را برای بهبود و گسترش فعالیت حزب ارائه دادند. گزارش فعالیت های گسترده ارگانها و فعالین حزب حاکی از یک حزب شاداب و دخالنگر و روبه رشد در داخل و خارج کشور بود.

در این پلنوم قراری در مورد «سازماندهی اجتماعی» (و قطعنامه ای تحت عنوان «زمینگیر شدن حکومت و فضای تعرضی جامعه» مورد بحث و تصویب قرار گرفت. پلنوم همچنین قطعنامه «جنبش بر سر معیشت و رفاه» (که قبلاً در دفتر سیاسی تصویب شده بود را مورد تاکید و تأیید قرار داد. قرائت پیامی خطاب به مردم ایران و بیانیه ای در دفاع از جنبش علیه اعدام نیز اقدام دیگر این پلنوم بود.

در مبحث انتخابات ابتدا حمید تقوایی بعنوان دبیر کمیته مرکزی انتخاب شد و بدنبال آن ۲۵ نفر بعنوان اعضای دفتر سیاسی حزب انتخاب شدند که عبارتند از: کیان آذر، محسن ابراهیمی، عبدالله اسدی، سیامک بهاری، سیما بهاری، شهاب بهرامی، فاتح بهرامی، پریسا پوینده، امیر توکلی، کیوان جاوید، شهلا دانشفر، بهرام سروش، محمد شکوهی، شیرین شمس، میثم عتیق، مصطفی صابر، حسن صالحی، جمیل فرزاد، اصغر کریمی، خلیل کیوان، عبدل گلپریان، نسان نودینیان، سمیر نوری، کاظم نیکخواه و بابک یزدی.

پلنوم با سخنرانی اختتامیه حمید تقوایی پایان یافت. او در این سخنرانی به مساله رهبری انقلاب پرداخت و گفت گزارش های متعددی که در این پلنوم از حضور و فعالیت گسترده حزب در همه عرصه ها، از جنبش زنان علیه حجاب و آپارتاید جنسیتی تا جنبش زنان افغانستان، و از جنبش کارگران نفت و بازنشستگان و پرستاران با شعار اتحاد اتحاد علیه فقر و فساد تا جنبش علیه اعدام در داخل و خارج کشور ارائه شد نشان دهنده حضور فعال حزبی است که میتواند صفوف انقلاب را حول خواستها و اهداف انسانی و جهانشمول متحد و منسجم کند و انقلاب را به پیروزی برساند.

حزب کمونیست کارگری ایران- ۱۸ بهمن ۱۴۰۳، ۶ فوریه ۲۰۲۵



نگاهی دیگر به انقلاب ۵۷

متن تدوین شده گفتگو با حمید تقوایی در برنامه پاسخ در تلویزیون کانال جدید

حسن صالحی: انقلاب ۵۷ چرا اتفاق افتاد، ریشه ها و زمینه هایش چه بود؟ آیا وجه تشابهی میان انقلاب ۵۷ و انقلاب زن زندگی آزادی وجود دارد؟

حمید تقوایی: در یک سطح پایه ای باید گفت انقلاب ۵۷ برای همان آرمانهایی می جنگید که امروز انقلاب زن زندگی آزادی پرچم اش را بلند کرده است. در آن زمان هم مردم ایران آزادی می خواستند، رفاه میخواستند، برابری می خواستند، رفع هرگونه تبعیضات و مسائل و مشکلات اقتصادی اجتماعی که در جامعه وجود داشت را میخواستند.

هر انقلابی را در نظر بگیرید مستقل از اینکه به چه نتیجه ای رسیده یا چه احزابی در آن دخیل بوده اند و یا به چه اسمی به آن رجوع میکنیم، علیه فقر و بی حقوقی و تبعیض و سرکوب شکل گرفته: از انقلاب کبیر فرانسه تا انقلاب روسیه و انقلاب چین و انقلاباتی که در ایران اتفاق افتاد. وجه مشترک هم این تحولات به حرکت درآمدن توده مردم است برای اینکه از شرایط موجود به فغان آمده اند و دیگر نمیتوانند تحمل کنند.

انقلاب ۵۷ هم دقیقاً همینطور شکل گرفت. جامعه ای وجود داشت که مردم آنرا گورستان آریامهری مینامیدند. چنان دیکتاتوری ای بود که من و شما که از نسلی هستیم که در آن شرایط زندگی کرده ایم میدانیم که همسایه با همسایه نمیتوانست شکایت و انتقاد و اعتراضی مطرح کند. حتی در مهمانیهای شخصی نمیتوانستید بگوئید بالای چشم اعلیحضرت ابروست چون میترسیدید بگوش ساواک برسد. در آن دوره هیچ حزبی اجازه فعالیت نداشت. حتی احزاب وفادار به سلطنت را هم منحل کردند. هیچ تشکل مدنی، ان جی او، نهادی، کمیته ای، انجمنی مستقل از دولت وجود نداشت. بعد از کودتای ۲۸ مرداد دیگر کسی نمیتوانست حتی یک نهاد صنفی-مدنی مستقل از دولت تشکیل بدهد و بخواهد غیر از تبلیغات رسمی حکومتی حرفی بزند. خفقان زدگی ای وجود داشت که کمتر در دنیا نظیرش یافت میشد.

از نظر اقتصادی هم بخش وسیعی از روستائیان کنده شده از زمین که بعد از اصلاحات ارضی به شهرها آمده بودند تا نیروی کارشان را بفروشند و لقمه نانی برای خود و خانواده شان تامین کنند از حداقل ملزومات زندگی محروم بودند. اینان بدون هیچ نوع امکاناتی در حاشیه شهرها زندگی می کردند و خارج محدوده نشین خوانده میشدند. نظیر بخشی از جامعه امروز که کارتن خواب نامیده میشود. یکی از حرکات اعتراضی مهمی که کلید انقلاب ۵۷ را زد جنبش همین خارج از محدوده نشینان بود. جنبش محرومترین بخش طبقه کارگر که نه تنها از آب و برق و ابتدائی ترین خدمات شهری محروم بودند، بلکه حق حتی ساختن یک آلونک را هم نداشتند. بولدوزرهای حکومتی سرپناهی که آنها شبانه برای خود برپا کرده بودند را بر سرشان خراب میکردند و کشته شدن یک کودک در این تهاجمات جرقه ای بود که جنبش خارج از محدوده نشینان را آغاز کرد. در کنار این نیرو و بخشهای دیگر جامعه، روشنفکران و دانشجویان و کارگران هم با خواستها و مطالبات برحق و آزادیخواهانه بمیدان آمدند. این بی تامین اقتصادی و اختناق سیاسی بود که جامعه را به سمت انقلاب راند.

اینکه ادامه انقلاب چه شد و به کجا انجامید یک بحث است و اینکه علل و انگیزه ها و زمینه ها چه بود بحث دیگری است. مردم بخاطر عشقشان به اسلام و خمینی و ولایت فقیه و غیره به خیابان نیامدند. اینکه چگونه اسلامیها روی کار آمدند

بحث دیگری است که امیدوارم در این مصاحبه به آن پردازیم. ولی تا آنجا که به نفس انقلاب ۵۷ و مضمون و انگیزه های آن برمیگردد همانطور که در ابتدا گفتیم آن انقلاب برای همان آرمانهایی شکل گرفت که انقلاب امروز حول آن شکل گرفته است.

حسن صالحی: تحول خیلی با شکوهی که یک فیلم مستند هم درباره اش ساخته شده تظاهرات پرشکوه زنان در تهران در همان اسفند ۵۷ است. تظاهرات گسترده ای علیه حجاب اجباری که رژیم میخواست به جامعه تحمیل کند. یک فیلمساز فرانسوی از این اتفاق فیلم مستندی ساخته که به نوعی خصلت و مضمون انقلاب ۵۷ را نشان میدهد. آن صحنه ها بسیار به مبارزات امروز زنان ایران شباهت دارد. نظرتان در این مورد چیست؟

حمید تقوایی: این حرکت بیاد ماندنی و باید گفت بسیار باشکوه زنان در اولین روز جهانی زن در جمهوری اسلامی، در حالی که هنوز یکماه از روی کار آمدن این رژیم نگذشته بود، نقطه آغاز حرکتهای اعتراضی بود که تا حدود دو سال نیم در بخشهای مختلف جامعه ادامه یافت.

یک تصور رایج اینست که انقلاب ۵۷ با قیام بهمن و آمدن خمینی تمام شد، این کاملاً اشتباه است. به نظر من انقلاب تازه شروع شد. به این معنی شروع شد که آن شائبه های اسلامی را از خودش تکاند و با زبان خودش سخن گفت. مردم رفتند بر سر خواستهای برحق و انسانیشان. نه فقط زنان، بلکه دانشجویان، کارگران، حتی کارمندان و دیگر اقشار جامعه با این انتظار و توقع که سلطنت رفت و حالا نوبت تحقق خواستهای برحق ما است به اعتراضات خود ادامه دادند. همه جا شوراها شکل گرفت. یک جنبش بسیار گسترده در کارخانه ها و دانشگاه ها و مدارس و حتی ادارات دولتی جنبش شورائی بود. حکومت تنها با تیغ کشیدن و حمله به شوراها و مردم معترض توانست خود را تثبیت کند. به دانشگاهها تحت نام انقلاب فرهنگی حمله بردند، به کارگران بیکار شلیک کردند، به کردستان حمله کردند که ادامه دهنده انقلاب بود و همه جا بنکه ها و یا همان شوراها شکل گرفته بود و غیره و غیره. در واقع انقلاب ۵۷ تا ۳۰ خرداد ۶۰ ادامه یافت و بیش از دو سال و چهار ماه طول کشید تا بالاخره رژیم توانست خودش را تثبیت کند. آن هم به کمک معرکه سفارت گیری و جنگ با عراق. این تحولات همان نکته ای که اول اشاره کردم را تاکید میکنند. این نکته که انقلاب بر سر آرمانهایی شکل گرفت که به آخوندها و اسلاميون ربطی نداشت. کما اینکه آخوندها روی کار آمدند و جامعه آرام نگرفت.

البته قبل از روی کار آمدن خمینی بسیاری از مردم توهم داشتند که رژیم خمینی قارست خواستهای آنان را متحقق کند. از این نوع وعده ها هم داده بودند که پول نفت را تقسیم میکنیم و برق را رایگان میکنیم و غیره. ولی بعد از سقوط رژیم شاه مردم به سرعت و در تجربه روزانه خود متوجه شدند که رژیم نماینده آنان نیست و قرار نیست خواستهای که برایش انقلاب کرده بودند متحقق بشود. مردم به مبارزات خود ادامه دادند، برای تحقق اهداف و خواستهای انسانیشان جنگیدند و قربانی



نگاهی دیگر به انقلاب ۵۷...

از صفحه ۳

دادند. در تابستان ۶۰ هزاران نفر اعدام شدند، بدن‌بال آن دستگیری‌های وسیع و احکام سنگین زندان و نسل کشی دهه ۶۰ را داشتیم. در این میان تسخیر سفارت آمریکا و جنگ با عراق اتفاق افتاد که اینها را حکومت بعنوان اسلحه ای علیه مردم بکار گرفت و به بهانه دشمن خارجی جامعه ای که از پای ننشسته بود را کوبید. همانطور که امروز به بهانه دشمن خارجی میزند و می کوبد آن زمان هم به بهانه جنگ با عراق و شیطان بزرگ و غیره دهانها را دوخت، روزنامه ها را تعطیل کرد، تحت عنوان انقلاب فرهنگی به دانشگاهها حمله کرد و نیروهای چپ و آزادیخواه را قلع و قمع کرد و غیره. اینها همه هجوم حکومت به ادامه انقلاب ۵۷ بود.

در واقع جوهر واقعی انقلاب، و همچنین ماهیت ضدانقلاب تازه بقدرت رسیده، در اتفاقات بعد از سرنگونی شاه خود را آشکارا نشان داد. تا قبل از آن شعار خمینی رهبر و الله و اکبر و نظایر آنرا به انقلاب تزریق کرده بودند و جدا کردن سره از ناسره دشوار بود. ولی وقتی ارتجاع اسلامی روی کار می آید انقلاب با پرچم واقعی خودش مقابل ارتجاع تازه بقدرت رسیده قرار میگیرد. ضد انقلاب اسلامی جای ضد انقلاب سلطنتی را میگیرد اما انقلابی که از سال ۱۳۵۶ آغاز شده بود شفاف تر و صریح تر از گذشته به راه خود ادامه میدهد. کردستان یکپارچه بلند میشود، مسلح میشود و بمدت چند سال با رژیم میجنگد. دانشجویان بسادگی کوتاه نمی آیند و سنگر دانشگاه را بسادگی از دست نمیدهند. شوراها که در بسیاری از کارخانه ها امور را در دست گرفته بودند مقاومت میکنند. حتی شوراها کارگران نفت خواهان شرکت در دولت موقت میشوند.

این تحولات بروشنی نشان میدهد انقلاب ۵۷ بر سر همان آرمانها و اهدافی بود که انقلاب امروز بر سر آن شکل گرفته است.

حسن صالحی: من در زمان انقلاب ۵۷ دانش آموز دبیرستانی بودم. به خاطر دارم همین جنب و جوشی که شما بعنوان جنبش شورایی به آن اشاره کردید در مدارس هم بود. ما دانش آموزها میخواستیم در اداره مدرسه دخالت داشته باشیم. میخواستیم شوراها دانش آموزی تشکیل بدهیم و در سیاستهای مدرسه و تعیین مقامات مدرسه نمایندگانی داشته باشیم. با چنین خواستهایی مدرسه را روی سر خودمان گذاشته بودیم. بسیاری از افراد هم نسل من نیز همین تجربه را دارند. با این حال سئول اینست که چه شد؟ چرا جنبشی که آرمان و هدفش انسانی بود قالب مذهبی به خودش میگیرد و کسی مثل خمینی به صحنه می آید، بعنوان نماینده مردم و رهبر انقلاب شناخته میشود و حکومتی روی کار می آید که ۴۶ سال است خون مردم را در شیشه کرده است؟ علت چه بود؟

حمید تقوائی: این برمیگردد به شرایط و فضای سیاسی جامعه در زمان شاه و بخصوص بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۳۲. بعد از آن کودتا اختناق گسترده ای بر جامعه حاکم شد. حکومت شاه این را تجربه کرده بود که کوچکترین آزادی ها پایه های سلطنتش را به لرزه در می آورد و در نتیجه یک نوع دیکتاتوری سازمان یافته ای را با اتکا بقدرت هولناک ساواک برقرار کرد که بالاخره با انقلاب ۵۷ کنار زده شد. آن شرایط اختناق آمیز باعث شد که کوچکترین حزب و سازمانی، بخصوص هیچ سازمان چپ و مترقی ای، نتواند شکل بگیرد و ابراز وجود کند. قبل از کودتای ۲۸ مرداد، به یمن جنبش توده ای برای ملی کردن صنعت نفت در نیمه دهه بیست و اوایل دهه سی شمسی، عملاً یک نوع فضای باز سیاسی در جامعه شکل گرفته بود. آزادیهای نسبی وجود داشت، احزاب و سازمانهای مختلف فعال بودند، اتحادیه های کارگری شکل گرفتند، روزنامه ها نسبتاً آزاد بودند و غیره. کودتا ۲۸ مرداد در همه اینها را بست و مقاومت زیرزمینی شد.

در این شرایط آن نیرویی که دست بازی داشت و سنتا نقش ارتجاعی ای در سیاست ایفا میکرد، جانی با حکومت کنار می آمد و جانی مخالف خوانی میکرد، و براحتی نمیتوانستند مثل نیروهای چپ سرش را ببرند، اسلاميون بودند. این نیروهای اسلامی در مقاطع مهمی در کنار حکومت و در مقابل مردم قرار گرفته بودند. یک رکن فعال کودتای ۲۸ مرداد آیت الله کاشانی بود. در انقلاب مشروطه هم فضل الله نوری یک رکن مهم ارتجاع ضد مشروطه و پرچمدار مشروطه بود. از یک منظر تاریخی خمینی را باید در واقع ادامه آیت الله کاشانی و فضل الله نوری دانست.

به هر حال تا آنجا که به شرایط دوره شاه برمیگردد این نیروهای اسلامی اساساً بخاطر اینکه همیشه عصای دست دیکتاتورها بودند، میدان بازی برای مانور دادن و مخالفت خوانی داشتند. خمینی کسی بود که از موضعی کاملاً ارتجاعی در برابر اصلاحات ارضی ایستاد. آن زمان نیروهای اسلامی شاخه های مختلفی داشتند و ارتجاعی ترین آنها شاخه خمینی و بقول خودشان "روحانیون" و حوزه های قم و مشهد و بخشی از بازارها بودند. این نیروها رانت مذهبی داشتند، شبکه مساجد را داشتند، توهمات بخش مذهبی جامعه را با خود داشتند و غیره. ولی تا آنجا که به فرهنگ عمومی جامعه برمیگردد بهیچوجه جامعه اسلامی نبود. امروز مساجد کاملاً سوت و کور است ولی در زمان شاه هم رونقی نداشت. آخوند مفتخور ضرب المثل بود. آن دوره هم مردم آخوندها را دست میانداختند و مسخره میکردند. نمایشنامه طنز آمیز شهر قصه در هجو مذهب و آخوند محبوبیت زیادی در جامعه پیدا کرده بود. در واقع طرفداران خمینی و اسلام نوع خمینی عقب مانده ترین و متحجرترین بخش جامعه را تشکیل می دادند. با اینهمه اگر در اپوزیسیون جایگاهی داشتند به این خاطر بود که نیروهای چپ و مترقی شدیداً سرکوب شده بودند. بقول معروف رژیم شاه سنگ را بسته و سگ را رها کرده بود! بعد از سرنگونی شاه گروههای چپ که فعالیشان به لطف انقلاب از زندان آزاد شده بودند به سرعت رشد کردند و به نیروهای عمده اپوزیسیون جمهوری اسلامی تبدیل شدند. این واقعیت خود نشاندهنده پایگاه اجتماعی نیروهای آزادیخواه و چپ و مترقی بود که رژیم شاه تنها با سرکوب زندان توانسته بود از رشدشان ممانعت کند. در واقع شرایط سیاسی ای را رژیم شاه ایجاد کرده بود که هر نوع ایده چپ، مدرن و انسانی، و حتی حقوق بشری و لیبرالی، حق ابراز وجود سیاسی نداشت و با زندان و ساواک روبرو میشد. در حالی که گرچه بخشی از آخوندهای طرفدار خمینی هم در زندان بودند ولی کلاً قرزدها و مخالفت خوانی های مذهبی تحمل میشد، مذهبیون منبرشان را میرفتند و حرفشان را میزدند.

وقتی انقلاب ۵۷ شکل گرفت این نیروی ارتجاعی ضد شاهی مورد توجه ارتجاع جهانی قرار گرفت. سرمایه داری جهانی باید جواب انقلاب ۵۷ را میداد. مشخصاً دولتهای غربی نگران این بودند که در اثر انقلاب ایران به بلوک شوروی بپیوندند. ایران منطقه سوق الحیثی مهمی به شمار میرفت - که هنوز هم چنین است- و آن دوره بلوک غرب بسیار نگران بود که با سرنگونی شاه ایران به سمت شوروی سوق پیدا کند. در کنفرانس گوادلوپ جمع شدند و همفکری کردند و به این نتیجه رسیدند که اپوزیسیون ارتجاعی حکومت شاه بهترین گزینه است. چون اسلامی و ذاتاً ضد



آیت الله های میلیاردی در قدرت هستند و آن روز هزار فامیل میلیاردی در قدرت بود و زندگیشان هم آنقدر خوب بود که وقتی به تبعید رفتند میلیونها با خودشان بردند و تا امروز هم هنوز تامین هستند. لذا حق دارند نوستالژی گذشته را داشته باشند.

امروز اساسا این بخش از تخت افتاده است که به انقلاب ۵۷ میتازد. بخشی از نسل جوان که تجربه آن دوران را ندارد نیز ناآگاهانه از آنها پیروی میکند. بله بعد از سقوط شاه ضد انقلاب اسلامی وضعیتی در ایران بوجود آورده که بسیار بدتر از دوره گذشته است. اما بهتر از جمهوری اسلامی بودن امتیازی نیست. بسیاری از دیکتاتورهای زمان ما نیز وضع بهتری از جمهوری اسلامی دارند. از مصر و ترکیه بگیرد تا عربستان سعودی و غیره.

سلطنت طلبها طوری از آن دوره صحبت میکنند که گویا شرایطی شبیه انگلیس و یا فرانسه در ایران برقرار بوده است. در حالی که وضعیت زمان شاه حتی از ترکیه امروز بدتر و اختناق زده تر بود. نه آزادیهای مدنی و چیزی حتی شبیه به دموکراسی پارلمانی در ایران وجود داشت و نه از حقوق بشر نشانی یافت میشد. حتی بر مبنای ابتدائی ترین معیارهای دموکراسی و حقوق بشری، که امروز همه از آن دم میزنند، رژیم پهلوی ربطی به آزادی نداشت.

درست است، جمهوری اسلامی بسیار بیداد کرده است و یکی از هارترین و وحشی ترین دیکتاتوریهایی است که دنیا به خود دیده است. ولی همانطور که توضیح دادم این رژیم محصول شکست انقلاب ۵۷ است و نه پیروزی آن.

این نکته را هم تاکید کنم که جمهوری اسلامی گرچه از نظر نفی آزادیهای شخصی، بسیار بدتر از دیکتاتوری شاه است، ولی از نظر سیاسی همانقدر سرکوبگر است که حکومت شاه بود. البته حکومت اسلامی با وجود تمام تلاشهای جنایتکارانه اش هیچگاه آن قدرت را پیدا نکرد که اختناق آریامهری را احیا کند و از ابتدای روی کار آمدن این رژیم اعتراض و مبارزه در همه عرصه میجوشد. این نتیجه مثبت انقلاب ۵۷ است که با وجود اینکه شکست خورد اجازه نداد اختناق گذشته احیا بشود.

جنبش زن زندگی آزادی در واقع راه ناتمام انقلاب مشروطه و انقلاب ۵۷ را ادامه میدهد با اهدافی بسیار متعالی تر و رهائی بخش تر. اکثریت عظیم مردم ایران تمدن و مدنیت و مدرنیسم میخواهند، بیشترین آزادیها را میخواهند، بیشترین رفاه را میخواهند، بیشترین حقوق مدنی و اجتماعی را میخواهند، و دیگر اجازه نمیدهند آنانکه دچار نوستالژی گذشته هستند و دلشان برای موقعیت ممتازشان تنگ شده است مبارزاتشان را به شکست بکشانند. شما در سؤال دیگری اشاره کردید به اولین ۸ مارس در اسفند ۵۷ و جنبش با شکوه زنان علیه رژیم خمینی. یکی از شعارهای آن جنبش این بود که ما انقلاب نکردیم تا به عقب برگردیم. امروز هم مردم انقلاب نمیکند تا به عقب برگردند.

از تخت افتادگانی که در پی احیای گذشته هستند آینده ای ندارند. جامعه یکبار برای همیشه از دیکتاتوری سلطنتی عبور کرده است و با هیچ ترفندی نمیتوان آنرا به ۵۰ سال قبل برگرداند.

۲۰ بهمن ۱۴۰۳، ۸ فوریه ۲۰۲۵

نگاهی دیگر به انقلاب ۵۷...

از صفحه ۴

کمونیست است، ضد ترقیخواهی و ضد آزادی است و لذا می تواند جامعه را کنترل کند. بجلو راندنش و به حمایتش برخاستند. زمانی این کار را کردند که دیگر امیدی به حفظ شاه نمانده بود. میدانستند دیگر نمیشود نظام حکومتی ایران را با سلطنت نگاه داشت. تصمیم گرفتند تاج را بردارند و بجایش عمامه بگذارند تا کل سیستم حفظ بشود. مساله شان هم صرفا خطر شوروی نبود. انقلاب ۵۷ را بدرست حرکتی چپ تشخیص داده بودند. میدانستند انقلاب بسیار عمیق و رادیکال است و این پتانسیل را دارد که رژیم سلطنتی را با کل نظام سرمایه داری بدور بیاندازد. در مقابل انقلاب ۵۷ و ظرفیتهای آن در واقع کاپیتالیسم جهانی به دفاع از هم طبقه ای هایش در ایران برخاست. این دلیل استراتژیک حمایت غرب از خمینی بود.

بخاطر دارم که تا تابستان ۵۷ حرف چندی از خمینی در میان نبود و اثری از شعارهایی نظیر خمینی رهبر و غیره وجود نداشت. خمینی تا وقتی در نجف بود بجز در میان آخوندهای طرفدارش جایی مطرح نبود. اما بعد از آنکه به توصیه و پادرمیانی افرادی نظیر زدی حاضر شد که به "دیار کفر" منتقل شود او را به پاریس بردند و زیر نور افکن قرار دادند. از اینجا به بعد دیگر معماری بود. غرب آگاهانه داشت او را بجلو میراند.

بردنش به حومه پاریس، میکروفون جلوی گداشتند، تصویرش را در ماه انداختند و غیره. آن زمان رادیوهای فارسی زبان مثل رادیو اسرائیل، بی بی سی فارسی، و صدای آمریکا تنها کانلهایی بودند که اخبار اعتراضات در ایران را منعکس میکردند و این رسانه ها تماما به تریبونی برای لانس کردن خمینی و توی بوق کردن سخنان و فتواها و مصاحبه هایش تبدیل شدند.

به این ترتیب مشخصا از تابستان ۵۷، یعنی در پنج شش ماه آخر انقلاب، بود که بتدریج شعارهای اسلامی و الله و اکبر و خمینی رهبر در دهانها افتاد و ارتجاعی ترین فرد در اپوزیسیون شاه به عنوان انقلاب ترین مرد جهان به جامعه فروخته شد.

بهمین خاطر باید گفت ضد انقلاب اسلامی بود و نه انقلاب. ضد انقلاب اسلامی تحت نام انقلاب روی کار آمد و جهنمی را در ایران برپا کرد که امروز شاهد آن هستیم.

حسن صالحی: سلطنت طلبان در ضدیت با انقلاب ۵۷ زیاد حرف میزنند. میگویند وضعمان خیلی خوب بود و "فته ۵۷" باعث شد به وضعیت امروز دچار بشویم. نظر شما در این مورد چیست؟

حمید تقوایی: بدون شک وضع خانواده پهلوی و اعوان و انصارشان خیلی خوب بود. این را درست می گویند. اما بحث بر سر وضعیت اکثریت تقریبا قریب باتفاق مردم ایران است. سلطنت طلبها گذشته را بعنوان آینده به مردم وعده میدهند اما آن گذشته برای خودشان خوب بود. آن جماعتی که در راس سلطنت طلبها هستند خود و یا نسل قبلیشان جزئی از دربار و وابسته به دربار و جزو هزار فامیل بودند. امروز

<p>یوتل ست</p> <p>ترکمن عالم</p> <p>فرکانس ۱۱۳۸۷</p> <p>(جهت یاهست)</p> <p>فرکانس ۱۰۸۴۵</p> <p>عمودی ۲۷۵۰۰</p> <p>اف ای سی ۲/۳</p>	<p>مشخصات فنی تلویزیون</p> <p>کانال جدید</p>	<p>KANAL</p> <p>کانال جدید</p>
---	---	--



دادخواهان زندگی، نمی بخشند! مهران محبی

تقاضای بخشش از کارگران و عموم مردم محروم، این روزها بخشی از گفتمان سران حکومت در مانده از برآورده نمودن حداقل توقعات معیشتی آنها را به خود اختصاص داده است.

از بالا تا پائین نگران اوضاع ملتهب و هر آن شعله ور شدن آتش خشم مردم هستند. در این شرایط توان هیچ کاری برای کاهش از وضعیت انفجاری جامعه را ندارند. مردم کارگر و محروم همانطور که بازنشستگان کرمانشاه در تجمع اخیرشان اعلام کردند که "خونخواه زندگی" (ضمن احترام به این بازنشستگان شجاع لازم به اصلاح شعار "خونخواهی زندگی" به "دادخواهی زندگی" است تا تفاوت خود را با خونخواهان و انتقامجویان ضد انسان و ضد زندگی مشخص کنیم) هستند، به کمتر از بازپس گرفتن زندگی به یغما رفته شان راضی نیستند و این وحشتناک ترین کابوس برای چپاولگران و غارتگران زندگی بیش از ۸۰ میلیون انسان است.

برای جمهوری اسلامی که در برابر یک جبهه ۸۰ میلیون نفری که برای سرنگون کردنش عزم جزم کرده، قرار گرفته است، چاره ای جز خود را به ذلت و خواری انداختن و طلب بخشش کردن از مردم به عنوان یکی از آخرین راه ها، باقی نمانده است. سران این رژیم با اینحال می دانند طلب بخشش کردن و خود را به خواری و مذلت زدن در برابر کارگران و اکثریت مردم محروم فایده ندارد و راه نجاتی را در مقابلشان قرار نخواهد داد. هر قدر که وانمود به شرمندگی و شرمساری می کنند، فایده ای ندارد. هر آن که به اوضاع انفجاری ای که در محاصره اش قرار گرفته اند، نگاه می کنند همه امیدهایشان برای نجات حکومتشان به یأس تبدیل می شود.

راه عبث دیگر و آخرین راه حکومت در این شرایط توسل به سرکوب وسیع است. از اینرو افکارشان را بر چنگ زدن به آخرین ریسمان پوسیده یعنی مقابله خشونت بار با جامعه متمرکز کرده اند. مانورهای گفته خودشان ضد اغتشاش در سطح شهرها برای ایجاد آمادگی و بالا بردن توان سرکوب اعتراضات و خیزش های خیابانی برگزار می کنند، جلسات و نشست های امنیتی تحت عنوان "وفاق ملی" می گذارند و بر هر اقدام سرکوبگرانه ای می اندیشند و همفکری می کنند.

اما باز هم به نجات خود باور ندارند. سرکوب ابزار امتحان پس داده ای است که دیگر توان به عقب راندن جامعه را ندارد و اگر غیر از این بود، سران رژیم تا این حد مضطرب و وحشت زده نبودند. حکومت اسلامی که ۴۶ سال خونبارترین سرکوب ها و کشتارهای خیابانی و وسیع ترین اعدام ها و قتل عام ها و وحشیانه ترین شکنجه ها در زندان ها و بازداشتگاه هایش را در کارنامه دارد و حالا کارش به جایی رسیده که به التماس کردن از جامعه افتاده و با هر زبان و با هر گردن کج کردنی از مردم طلب بخشش و فرجام خواهی می کند، خود مطمئن است که سرکوب نه در حد گذشته ممکن است و نه به طور کلی راه نجات از سرنگونی است.

قاتل ترین قاتلان که در قتل عام معترضان کارنامه ای سیاه تری دارند، نمونه "رحمانی فضلی" قصاب آبان ۹۸ که برای تعدیل تصور شقاوت پیشه گی و قساوت بی حد خود و حکومت اش در رابطه با کشتار آبان ۹۸ می گفت: "ما فقط به سر شلیک نکردیم، به پا هم شلیک کردیم"، حالا هشدار می دهند که وضعیت از ۹۸ خطرناکتر است.

"فضلی" و دیگر سران جنایتکارتر و آدمکش تر رژیم بیخودی چنین هشدارهایی نمی دهند. این هشدارها بر مبنای تحلیل های کارشناسان سیاسی و جامعه شناسان نیست، بلکه نتیجه

مشاهدات و رودروئی های میدانی و هر روزه نیروها و فرماندهان امنیتی و انتظامیشان با عموم مردم دادخواه زندگی است.

وحشت زدگان حکومت، در محاصره یک جمعیت بالای ۸۰ میلیونی هستند که هر بخش از آن یک جنبش و یک عرصه دادخواهی را تشکیل داده و در کلیت، جنبش سراسری دادخواهی زندگی را تشکیل می دهند، از اعدام و قتل و کشتار مخالفان و معترضان تا کولبران و سوختبران و صدها هزار نفر که به خاطر نبود دارو و ممانعت از واردات واکسن کرونا جان باختند، از میلیون ها کودک که به خاطر فقر از تحصیل محروم مانده اند تا آلودگی و نابودی محیط زیست و بی آبی و بی برقی و دیگر بی امکاناتی های دیگر، از فقر و گرانی غیر قابل تحمل گرفته که ده ها میلیون را ناتوان از تأمین حداقل ضروریات زندگی کرده تا هزاران و صدها هزار نفر زن و مرد و کودک را زباله گرد و معتاد و کارتن خواب و بی خانمان کرده است و بلائی بی شمار دیگر اجتماعی، هر یک جنبه و بخشی از نابودی کلیت زندگی انسان اجتماعی است که این حکومت جنایتکار و ضد زندگی مرتکب آنها شده است.

امروز جامعه به دادخواهی زندگی بلند شده است و سران جمهوری اسلامی باید به جرم نابود کردن یا آسیب زدن به زندگی به معنای کلی آن مجازات شوند.

شعار "دادخواهی زندگی" یعنی دادخواهی اعدام شدگان و به قتل رسیدگان، دادخواهی زندانیان سیاسی، دادخواهی رفاه و آسایش، دادخواهی دستمزدها و حقوق های چپاول شده، دادخواهی نابودی محیط زیست و غیره از جمهوری اسلامی؛ و ضرورت دارد که به یک شعار سراسری تبدیل گردد و در هر تجمع و اعتراض دادخواهانه ای برای ایجاد اتحاد و همبستگی بیشتر همراه با شعارهای دیگر سر داده شود.

وحشت سران حکومت نیز از همین است که جامعه دادخواه یک زندگی است که در مدت ۴۶ سال گذشته همه جوانب اش توسط رژیم مورد تعرض یا به طور کلی نابود شده است و می دانند که به فرض محال هم اگر زیر فشار اعتراضات، هر درجه از مطالبات فوری هر بخش از جامعه را برآورده کنند نه تنها باعث بخشش نمی شود، بلکه مردم را مصمم تر به ادامه مبارزه تا سرنگون کردن حکومت می کند.

طلب بخشش جمهوری اسلامی از مردم، نشانه زبونی حکومتی است که در سراسری سقوط قرار گرفته است. و مردم با فریاد نه می بخشیم نه فراموشم میکنیم بر محاکمه تک تک سران این حکومت بخاطر همه جنایاتش هستند. مردم کارگر و زحمتکش و محروم ده ها سال است که با این رژیم ددمنش بر سر زندگی خود می جنگند تا به این وضعیت درماندگی و استیصال دچار شده اند.

جامعه راه رفته برای خلاصی خود از همه نکبت هائی که نزدیک به نیم قرن توسط جمهوری اسلامی بر سرش آورده را باز نخواهد گشت. هر قدر درمانده و توسری خوری مانند پزشکیمان از جانب حکومت اعتراف به مقصر بودن در ایجاد شرایط اقتصادی و معیشتی وحشتناک موجود کند و رو به مردم بگوید: "ما مقصریم و شما ببخشید" دیگر فایده ای ندارد. بخششی برای جانیمان حاکم در کار نیست، باید سرنگون شوند و سرنگون خواهند شد و در دادگاه های عادلانه مردمی محاکمه و سپس به سزای جنایاتشان خواهند رسید. اما خوش شانس هستند که خونخواهی، انتقام و اعدام در قانون قضائی بعد از سرنگونی حکومتشان جانی ندارد.

**به حزب کمونیست کارگری
پیوندید!**

تلگرام: @wpi_tamas

۰۰۴۴۷۴۳۵۵۶۲۴۶۲

tamas.wpi@gmail.com



انقلاب یعنی اراده پایینی ها - یاشار سهندی

عباس سماکار چهره نام آشنایی در چپ ایران است. در همین روزها در یک برنامه تلویزیونی، خاطراتش از روزهای ۲۱ و ۲۲ بهمن سال ۵۷ را مرور میکرد. بر اساس خاطرات ایشان دهها هزار نفر در روز ۲۱ بهمن با فراخوان سازمان چریکهای فدایی در خیابان مرکزی تهران (خیابان انقلاب) حضور یافته بودند. آنجا خاطرات ایشان، در واقع تحلیل ایشان از آن خاطرات جالب توجه است که اشاره کرد به واسطه حضور خیابانی این جمعیت عظیم، که نشانه قدرت نمایی چپ در زمان خودش در بجهوه انقلاب ۵۷ بود. همافران که در یادگان دوشان تپه در شرق تهران سر به شورش گذاشته بودند، تعدادی از آنها با موتورسیکلت خود را به مرکز تهران میرسانند و برای کمک از این جمعیت پر شور مدد میخواهند. بخاطر حضور جمعیت بزرگ تظاهر کننده تمام تهران سنگر بندی میشود و کسی به فرمان حکومت نظامی توجه نمی کند و کسی هم برای پیام خمینی تره خرد نمی کند که اعلام کرده بود "من هنوز اعلام جهاد نکردم!" و اینگونه قیام ۲۲ بهمن، که طی یک پروسه بیش از یک ساله تظاهرات و اعتصابات علیه دیکتاتور سلطنتی سرمایه شکل گرفته بود، در چند ماه منتهی به ۲۲ بهمن شدت یافته و به سراسر ایران کشیده شده بود و منجر به سرنگونی حکومت شاه گردید.

آنچه انقلاب ۵۷ را برجسته میکند حضور توده های مردم در کف خیابان است. حضوری که منجر به اعمال اراده توده مردم میشود؛ و حمله به انقلابها از سوی کارشناسان بورژوازی تماما بخاطر این حضور جمعی و تحمیل اراده توده مردم بر حاکمان است. توده های مردم در متن انقلاب، با اتکاء به قدرت خود که در کف خیابان آنها می یابند، میتوانند تمام قواعد "تمشیت امور" توسط آنچه امروزه "تصمیم سازان" می نامند، بهم ریخته و امور کل جامعه را بدست گیرند.

سرنگون شدن سال ۵۷ همه عمق نفرت خود را در اصطلاح "پنجاه هفتی ها" خلاصه کرده اند. ایشان که بواسطه جنایات هولناک و بیشمار دیکتاتوری اسلامی حاکم، فکر میکنند "ساواک اشتباه کرد، کم شکنجه کرد و شاه هم کم کشت و زمین سوخته پشت سر خود بجا گذاشت" پس "جاوید شاه"؛ در تلاشند با خونهای ریخته شده توسط رژیم اسلامی سرمایه، خونهای ریخته شده در دیکتاتوری سلطنتی سرمایه را توجیه کنند، تا شاید آبرویی برای شاه سرنگون شده و ولیعهد سابق دست و پا کرده باشند. نوک حمله ایشان متوجه مردمی است که در سال ۵۷ در خیابانها اعمال قدرت کردند و اختیار زندگی خود را بدست گرفتند.

ایشان مردم را متهم به نداشتن "خرد" میکنند که "عکس امام را در ماه دیده بودند. در واقع آن عکس را تبلیغات رسانه ها بر ماه انداختند تا جلو بزرگترین انقلاب توده ای معاصر که تماما علیه سرمایه داری بود را بگیرند. همین روزها نیز توسط خود ایشان عکس ترامپ، این لمپن میلیاردر فاشیست مذهبی از نوع انجیلی، این ضد زن، ضد مهاجران، ضد کارگر، ضد رفاه و آسایش و کلا ضد جامعه بشری، و دوستدار هر چیزی که بشود به پول تبدیلش کرد، حتی بر ویرانه های به جا مانده از غزه که به عنوان سند افتخار دولت اسراییل، سخت سلطنت طلبان بزرگش میدارند، و از این ویرانی و آوارگی مردم فلسطین کیفور میشوند، همزمان ته مانده سلطنت پهلوی را روی ماه به ما نشان میدهند.

هر لجنی از دهان ترامپ از اعماق روده هایش به بیرون نشت میکند ایشان چون گوهری گرانبها در هوا می قاپند و بزرگش میکنند. کسی که از تبار یک خاندان خونریز در تاریخ معاصر ایران است، کمتر از "شاهزاده" یاد کنی فحش بارانت میکنند. این چنین کسانی حقیر، که خود را رعیت یک خاندان میدانند، مردم ایران را که دستشان بوسیله دگنگ شاه و شیخ دست شان از همه جا کوتاه میگردد "بیخرد" میخوانند!

تمامی انرژی کارشناسان بورژوازی در قرن گذشته، بخصوص از مقطع انقلاب اکتبر روسیه به این خلاصه شده است که تصویر خونین و آشفته از انقلاب بسازند و

حتی انقلابی که منجر به تسلط طبقه بورژوا بر جهان معاصر شد، یعنی انقلاب فرانسه. این انقلاب با شکوه و سرنوشت ساز را در گیوتین خلاصه می کنند. انقلاب را "شر مطلق" می شمارند که به "شر ناگزیر" منجر میشود. از انقلابها هیچ تصویری نمی دهند جز اینکه انقلاب فرزندان خود را می بلعد. به عمد و کاملاً آگاهانه آن نیروی ضد انقلابی را که انقلابها را به خون میکشند، در صف انقلاب جا میزنند. نیازی نیست به تاریخ مراجعه کنیم؛ تجربه سخت دردناک و هول انگیز بر سرمان آوار شده است. ضد انقلاب اسلامی را نتیجه انقلاب ۵۷ جا میزنند تا نفس انقلاب را بکوبند. "انقلاب ۵۷ را نتیجه هزار و یک اشتباه" میخوانند؛ که ظاهراً بزرگترین اشتباه این بوده که مردم صبر نکردند که شاه مبتلا به سرطان اصلاحات اقتصادی اش را به سرانجام برساند، تا بعد اصلاحات سیاسی را رقم بزند و هم ولیعهدش را آماده پادشاهی کند و اگر اینگونه بود گویا الان ایران کره جنوبی بود!

در زمانه انقلاب آنجا که مردم خود را باز می یابند و به قدرت توده ای خود پی میبرند، اساساً نوع زندگی بسیار متفاوت میگردد. در همین زمانهاست که تمامی آنچه سبب تفرقه و نفرت پراکنی در جامعه است بکناری میرود و همبستگی انسانی میان مردم میشکند. کینه بورژوازی از انقلاب ریشه اش به این جا بر میگردد، اینجاست که همه تبلیغات مسموم کننده شان مبنی بر اینکه "خود مردم مقصرند" بی اثر میشود. تا وقتی که بر سریر قدرت هستند مردم را به طور کل نادیده میگیرند و هر تصمیمی که تصمیم سازان، می سازند تماماً حمله به زندگی توده مردم کار کن جامعه است، و آنرا "پیشرفت جامعه" نام میگذارند. بی جهت نیست که نماد پیشرفت در تمامی جوامع کنونی، پلها، ساختمانها، اتوبانها، موشکها، پهپادها، بمب اتم و اشیاء هستند نه نفس زندگی انسانها.

همان مردمی که تا دیروز بی توجه از کنار هم رد میشدند در زمانی که انقلاب شکل میگیرد، سرنوشت تک تک شان به همه ربط پیدا میکند. تمام مسایلی که موجب تش و خشونت و پرخاش میان مردم است به معنی واقعی کلمه یک شبه ناپدید میشود. این را در سال ۵۷ در بجهوه انقلاب تجربه کردیم، در همان چند ماه سال ۱۴۰۱ در زمانی که انقلاب زن زندگی آزادی شکل گرفت و مردم در کف خیابان بودند مشاهده کردیم. یا حتی در اعتراضات چند روزه سال ۹۸ و ۹۶ در همان مدت بسیار کوتاه همبستگی میان مردم نه از نوع مذهبی، ملی که اینها خود اساس تفرقه در کل جامعه هستند، بلکه از نوع انسانی که هر کسی درد و رنج و شادی دیگری را مربوط به خود میدانند. امری که سخت بر استثمارگران گران تمام میشود.

اما با همه تلاشها و هياهوها، در ایران انقلاب زیبای زن زندگی آزادی، انقلابی جهانشمول برای آزادی و برابری شکل گرفت. انقلاب موسیقی و رقص و بوسه و شادی که با پیروزی خود میتواند به مردم دنیا نشان دهد که همه راهها به ترامپ و ایلان ماسک نوعی ختم نمیشود. انقلابی که میتواند روزنه امید به تغییر برای بازگرداندن اختیار به انسان یعنی سوسیالیسم، سوسیالیسم کارگری را زنده سازد.

انقلاب فرصتی است برای بروز جلوه با شکوه قدرت انسان، به انسانی ترین شکل خود، یعنی توجه تمام به وضعیت بغل دستی خود، به وقتی که همه مسایل دیگری مسئله تو هم میشود. در همچین فضایی است که اختیار زندگی به دست توده مردمی



مطالبات فوری اعلام شده بازنشستگان تامین اجتماعی است.

- خبر اعتراضی دیگر مربوط به تجمع اعتراضی کارگران پیمانکاری سایت پتروشیمی نگین مکران در روز گذشته است. طبق گزارشات پیمانکار پروژه، پس از اعتصاب این کارگران در تاریخ ۲ بهمن با اخراج و تهدید چند تن از آنان تنها با پرداخت حقوق مهرماه و با وعده پرداخت باقی مانده معوقات ماه‌های آبان، آذر و دی خواستار بازگشت به کار کارگران اعتصابی شد. اما کارگران در اعتراض به اخراج همکاران خود و تهدیدات امنیتی و با خواست پرداخت فوری همه معوقات مزدی خود به تجمع و اعتصابشان ادامه دادند.

- آخرین خبر مربوط به فراخوان شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران در اعتراض به احکام زندان برای ۵ معلم معترض در خوزستان و صدور شش سال حکم برای هریک از آنان است. در بخشی از فراخوان اعتراضی این شورا آمده است "ما امضا کنندگان این متن، ضمن حمایت قاطع از آقایان پیروز نامی، علی کروشات، سیامک صادقی چهارزی و خانم کوکب بداغی پگاه (فعالان صنفی خوزستان) و مسعود فرهیخته (فعال صنفی البرز) خواهان نقض کامل این احکام و تبرئه معلمان نامبرده در دادگاه تجدید نظر هستیم." تاکنون شماری از فعالین کارگری و اجتماعی و تشکلهای کارگری از جمله زیر این فراخوان را امضا کرده و به این فراخوان اعتراضی پیوسته اند. حزب کمونیست کارگری از این کارزار حمایت کرده و همگان را به پیوستن به آن فرا میخواند.

حزب کمونیست کارگری ایران-۲۱ بهمن ۱۴۰۳، ۹ فوریه ۲۰۲۵

اعتراضات بازنشستگان تامین اجتماعی و فولاد و اخباری دیگر

امروز بیست و یکم بهمن ماه بازنشستگان تامین اجتماعی همچون یکشنبه های دیگر مقابل این سازمان در شهرهای شوش، اهواز و تهران تجمع داشتند. در تهران در حالیکه برف می بارید بازنشستگان تامین اجتماعی همراه با معلمان بازنشسته دست نوشته هایی با مضامین خواهشهایشان بدست داشتند و تجمع کردند.

در اهواز بازنشستگان تامین اجتماعی مقابل استانداری تجمع داشتند و بنرهای اعتراضی آنان از جمله بنری با نوشته "شاعل و بازنشسته اتحاد اتحاد" توجه ها را بخود جلب میکرد. در این تجمع اعتراضی بازنشستگان معترض شعار میدادند: "مشکل ما این زمان، معیشت است و درمان"، "دولت انتصابی، دروغ میگه حسابی"، "تنگ ما، تنگ ما، صدا و سیمای ما"، "وزیرکار با دولته، دستش تو جیب ملته"، "نه خواری، نه ذلت، تنگ بر این عدالت"، "توبت ما که میشه، خزانه خالی میشه". در شوش بازنشستگان مثل همیشه از هفت تپه و کرخه و شوش گرد آمده بودند و شعار میدادند: "بازنشسته اتحاد اتحاد علیه فقر و فساد"، "کارگر زندانی آزاد باید گردد"، "نوروز ذبیحی آزاد باید گردد". نوروز ذبیحی یکی از بازنشستگان تامین اجتماعی است که روز ۷ بهمن به دلیل شرکت در اعتراضات بازنشستگان دستگیر شد.

در این روز بازنشستگان فولاد نیز در اصفهان و اهواز تجمع داشتند و با شعار بازنشسته دادبزن حقوق فریاد بزن پیگیری مطالبات خود شدند.

اعتراض علیه فقر و تبعیض و بساط سرکوبگریهای حکومت و اختلاسها و دزدی ها موضوع مشترک اعتراضات بخش های مختلف بازنشستگان است و افزایش حقوقها طبق تورم و بالای رقم سید معیشتی، درمان رایگان، آزادی کارگران زندانی و همه زندانیان سیاسی، و پایان دادن به چپاولگریها و تعرضات معیشتی خواستهای مشترک آنهاست.

حق تجمع و اعتراض، اجرای کامل همسازی و پرداخت ۲۵ درصد معوقات سال ۱۳۹۹، پرداخت عیدی حداقل دو ماه حقوق همانند کارگران شاغل از جمله

اعاده دادرسی پرونده پخشان عزیزی رد شد!

بنا بر گزارشات منتشر شده و به نقل از امیر رئیسیان وکیل زندانی سیاسی پخشان عزیزی شعبه نهم دیوان عالی کشور در حکمی که ششم بهمن ۱۴۰۳ صادر شده و هفده بهمن ابلاغ شده بود، قرار رد اعاده دادرسی در این پرونده را صادر کرده است. امیر رئیسی در واکنش به این مساله گفت: "ما مجددا تقاضای اعاده دادرسی جدید طرح خواهیم کرد و بی تردید از طرق دیگر همچون تقاضای اعمال اختیارات رئیس قوه موضوع ماده ۴۷۷ هم چشم پوشی نخواهیم کرد".

جمهوری اسلامی با وضعیت بحرانی و اقتصاد فلج و فضای اعتراضی گسترده ای در جامعه روپرست و با توسل به اعدام و سرکوب تصور میکند میتواند این فضا را عقب براند. اما کور خوانده است. در برابر این تصمیم جنایتکارانه و در ادامه کارزار قدرتمندی که علیه اعدامها و فرستاده شدن حکم اجرای اعدام پخشان عزیزی به دایره



اجرائی اعتراضات گسترده ای شد و اعتصاب عمومی کردستان جنبش علیه اعدام را وارد فاز دیگری کرد. با قدرت این جنبش باید وسیعا به حکومت فشار آورد و خاکریز اعدام را فتح و بساط اعدام و سرکوب حکومت را جارو کرد. حزب کمونیست کارگری همه مردم را

فرا میخواند که به هر شکل ممکن وسیعا به حکم اعدام پخشان عزیزی و دیگر احکام اعدام اعتراض کنند. نباید اجازه داد که این حکومت بیش از این از عزیزان مردم قربانی بگیرد.

حزب کمونیست کارگری ایران-۱۸

بهمن ۱۴۰۳، ۶ فوریه ۲۰۲۵

از صفحه ۷

انقلاب یعنی اراده پایینی ها ...

جامعه شکل میگیرد؛ و همه همت طبقه استثمارگر حاکم بر این قرار گرفته است که این امر اتفاق نیفتد. "انقلاب وقتی شکل میگیرد که بالایی ها نتوانند و پایینی ها نخواهند" و نخواستن پایینی ها وقتی محقق میشود که اراده کرده اند اختیار زندگی خود را، خود بدست گیرند.



آخر سال و اعتراضات گسترده بر سر مزد

گفتگو با شهلا دانشفر در برنامه خط رفاه در کانال جدید

حسن صالحی: آخر سال است و بحث ما در مورد تعیین میزان حداقل دستمزد برای سال آتی است. اینکه در جبهه سرمایه داران چه خبر است. میدانیم که تا کنون چهار جلسه کمیته مزد برگزار شده است. در این جلسات نمایندگان کارفرمایان و دولت بحث هایشان چه بوده و کلا چه گذشته است؟

شهلا دانشفر: مباحثی که پشت درهای بسته کمیته مزد شورایی کار بیرون داده شده حاکی از ضد و نقیض گویی های حکومتیان است و در واقع نشان میدهد که در چه مخمصه ای گیر کرده اند. خصوصاً در شرایطی که اقتصاد جمهوری اسلامی فلج است و ارزش دلار مرتباً بالا می‌رود و نرخ ریال سقوط میکند و خودشان نیز گفته اند که اگر نرخ دلار به ۹۰۰۰۰۰ برسد منجر به سقوط اقتصاد میشود، جدال جامعه بر سر معیشت از هر سال حاد تر است و حکومتیان از آن تحت عنوان جنگ اقتصادی صحبت میکنند. چرا که نماد بارز جنبش اعتراضی مردمی بر سر معیشت خواست افزایش دستمزد است. این جنبش مهر انقلاب زن زندگی آزادی را بر خود دارد و در شرایطی که جنبش بر سر معیشت در ابعادی گسترده و اجتماعی به جلو می‌رود و در متن فضای انقلابی جامعه تصمیم گیری بر سر موضوع میزان حداقل دستمزدها برای حکومت تصمیمی بسیار دشوار است. اما اجازه بدهیم اشاره ای هم به مباحث مربوط به این موضوع در کمیته مزد جمهوری اسلامی داشته باشیم.

یکی از نمایندگان نهادهای دولت ساخته و منتسب به نمایندگان کارگری که تحت عنوان سه جانبه گری در کمیته مزد شرکت دارند، میگوید که سبد معیشت سی میلیون است و بنابراین حداقل دستمزد باید ۵۰ درصد افزایش یابد. میدانید که حداقل دستمزد مصوب شورایی کار در سال گذشته هفت میلیون بود که با مخلفاتش برای یک خانواده با دو بچه می‌رسید به یازده میلیون. ضمن اینکه این مبلغ فقط شامل حداقل بگیران یعنی فقط شامل یک پنجم کارگران میشد و برای سایر سطوح که بخش عظیم کارگران را شامل میشد، افزایش اسمی دستمزد برای آنها فقط ۲۲ درصد بود. و این خود اعتراضات بسیاری را در پی داشت.

حسن صالحی: قبل از اینکه به پاسخ سوال اول ادامه دهید. این سوال به میان می آید که اگر ما همان یازده میلیون را در نظر بگیریم و خود این جناب "نماینده" به اصطلاح کارگران میگوید سبد معیشتی ۳۰ میلیون است، چگونه به رقم افزایش سی درصدی دستمزدها میرسد. موضوع چیست؟

شهلا دانشفر: نکته درستی است. اینها همیشه برای نرخ سبد معیشتی که البته در آن خیلی از اقلام معیشتی هم در نظر گرفته نشده، رقمی را اعلام میکنند و بعد هم بدنبال کلی جنجال و هیاهو میزان حداقل دستمزد را دو سه برابر کمتر رقم میزنند. در برابر این بساط برده وار حرف کارگران همیشه این بوده است که نه کمیته مزدتان را قبول داریم و نه سبد معیشتی ای که ربطی به نرخ واقعی آن ندارد و از بالای سر ما مهندسی شده تعیین میکنید. من کارگر، ما مردم هستیم که میدانیم نیازهای معیشتی ما کدامند و نرخ واقعی سبد معیشتی چیست و این ما هستیم که باید رقم آنرا تعیین کنیم. نرخ مزدمان را روشن کنیم. ما به این بردگی تن نمیدهیم. از جمله ما شاهد این هستیم که کارگران سالهاست با خواست افزایش دستمزدها به بالای نرخ سبد معیشتی جدالی سخت بر سر مزد و معیشت را جلو برده اند. گفتمانی که در واقع اعتراضی به حقوقهای چند بار زیر خط فقر و بی تمانی است. گفتمانی که با به چالش کشیدن بساط فقر و فساد حاکم و حقوق های نجومی داشتن زندگی ای انسانی را حق مسلم همگان میدانند.

از سوی دیگر همین نمایندگان تحت عنوان کارگری در اشکال مختلفی سعی



میکند برای دولت راه فراری باز کنند. مثلاً اظهار امیدواری میکنند که وزیر کار در دولت طرح کند که هزینه مسکن از ۳۱۵ هزار تومان به ۹۰۰ هزار تومان افزایش یابد. واقعا شرم آور است. با این چیزی که اسمش را میگذارند هزینه مسکن، محلی برای کارتن خوابی هم نمیشود پیدا کرد. ضمن اینکه این پیشنهادات در جهت سر باز زدن از افزایش مستقیم دستمزدها و حواله دادن کارگر به مخلفاتی چون هزینه مسکن و عائله مندی و غیره است که تجربه اش را هم داریم.

نکته جالب دیگر اینست که همین نمایندگان به اصطلاح کارگری اشاره میکنند به صحبتهای مدیری وزیر کار که راهکارهایی داده است مثل اجرای طرح طبقه بندی مشاغل در تمام کارگاههای مشمول و پیاده سازی و اجرای نظام مزد منطقه ای و همچنین تغییر نظام دستمزد به کار مزدی. حال توجه داشته باشید بحث بر سر افزایش مزد است و اینها با بحث اجرای طرح طبقه بندی مشاغل و غیره به جاده خاکی میزنند. این گفته ها به معنای یک بردگی تمامی عیار است. این تقلاها و سخنان بی سر و ته شان نشانگر بن بست اینهاست و میکوشند خودشان را به شکلی از مخمصه تعیین میزان حداقل مزد رها کنند.

از جمله مدیری میگوید که تعیین حداقل دستمزد در چهارچوب قانون کار با رویکرد سه جانبه گری و عدم استفاده بهینه از ظرفیت های تشکلهای کارگری و کارفرمایی که منظور همان تشکلهای دولت ساخته است، از مشکلات کار است. و این لب و اساس تلاش حکومت برای زدن زیر همان شورای عالی کار و کنار گذاشتن اجبار تعیین حداقل دستمزد سالانه است. قبلاً نیز ابراهیم رئیسی اعلام کرده بود که قصد دارد در همین رابطه لایحه ای بدهد که بعد از این تعیین حداقل دستمزد به مجلس اسلامی سپرده شود. البته در صحبت های حکومتیان یک چیز روشن است و آن مد نظر نداشتن افزایش دستمزدها و پرور کردن نیروهای سرکوبشان است. برای اینکه فضای اعتراضات را امنیتی تر کنند و به تعرضات معیشتی شان شدت دهند. از همین رو عملاً بحث تعیین حداقل دستمزد و افزایش آن کنار رفته و بحث هایی بر سر منطقه ای کردن میزان حداقل دستمزد و کارمزدی دستمزدها را جلو آورده اند. در این میان کارگر بدهکار هم میشود و میگویند در برخی سالها یعنی سالهای ۹۲، ۹۶ و ۱۴۰۰ دستمزدها بیشتر از تورم افزایش داشته است. و این بحث ها همه برای کم گرفتن سطح دستمزدها در شرایط کنونی است. اما با همه این تشبثات برای تعیین نرخ سبد معیشتی کارگران به نتیجه نرسیده اند. گفته اند که نرخ تورم و اقلام سبد معیشت روشن شده و وزیر کار بیستم بهمن ماه را فرصت آخر برای تعیین نرخ سبد معیشتی تعیین کرده است. و طبق گمانی زنی های تا کنونی سبد معیشتی را ۲۹ میلیون ۹۴۰ هزار تومان رقم زده اند.

بحث اصلی اینجاست که کارگر از همه این ها عبور کرده است. کارگر با شعارهایی چون "اختلاسهای نجومی، فلاکت عمومی"، "معیشت، منزلت، حق مسلم ماست"، "درمان رایگان حق مسلم ماست"، دارد اعتراضش را به کل این بساط

آخر سال و اعتراضات ...

از صفحه ۹



توحش و بربریت و تبعیضها و اختلاسگریهای حاکم اعلام میکند و یک شعار انقلاب زن زندگی آزادی، زندگی است.

حسن صالحی: آمارى در ایلنا منتشر شده بود که جلب توجه میکرد. اینکه در سال ۱۳۹۳ حداقل دریافتی یک کارگر بطور مثال ۸۴۵ هزار تومان بوده و این مبلغ هشتاد کارگر با تعلقش مثلا ده میلیون و نهصد هزار تومان است که یازده درصد قیمت یک سکه طلا است. بعد هم مدعی شده اند که اگر بخواهیم دستمزد کارگران نسبت به سال ۱۳۹۳ ثابت بماند با توجه به افزایش قیمت ها باید به ۴۹ میلیون تومان افزایش پیدا کند. نظر شما در مورد این مساله چیست؟

"یک کلام، یک کلام، مزد بدون تبعیض والسلام". نفت امروز صدای اعتراض بر سر دستمزد است. و در این میان کارگران ارکان ثالث سه شنبه های اعتراضی را اعلام کرده اند. این کارگران نه تنها در روزهای سه شنبه بلکه در روزهای دیگری هم تجمعات اعتراضی داشته اند. از جمله در همین هفته کارگران ارکان ثالث سکوهای نفتی در لاوان دست به اعتراض زدند و گفتند که چون همکاران ما در شرکت پالایش گاز فجر جم تحت فشار حراست و تشکلهای دست ساز حکومتی بوده اند، به حمایت از آن تجمع کرده ایم. اعتراض کارگران ارکان ثالث سراسری است و تجمعات چندین هزار نفر برگزار کرده اند و ما شاهد حضور خانواده ها در این اعتراضات بوده ایم. دو محور اصلی اعتراضات آنها خواست افزایش دستمزدها و خواست بر چیده شدن پیمانکاران است. بخاطر اینکه بواسطه پیمانکاران در نفت شاغل هستند و در برابر همان کاری که همکاران رسمی آنها انجام میدهند با اختلاف فاحشی مزد بسیار کمتری میگیرند. و وقتی اعتراض میکنند در لیست سیاه قرار میگیرند. امروز کارگران نفت از همه اینها عبور کرده و روزهای اعتراضی ثالثی را در هفته شکل داده اند. بگذریم که همین الان کارگران رسمی نیز بر تعیین سقف حقوق که تعرضی به معیشتشان است و بدتر شدن هر روزه شرایط کاری و مزدی شان اعتراض دارند.

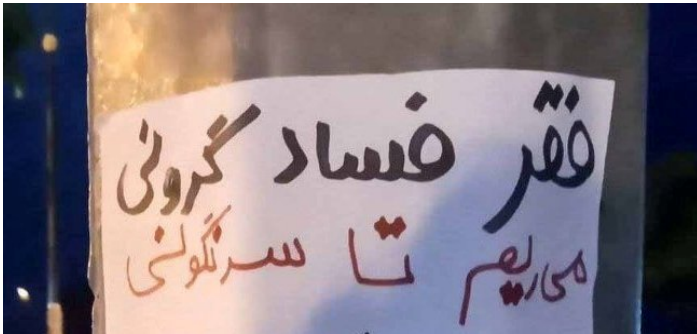
خواستههایی که بر سر مزد در رده های مختلف شغلی در نفت از سوی کارگران مطرح شده تاثیر مستقیمی گذاشته بر روی سطح توقع کارگران در سطح سراسری بر سر دستمزد. همچنین یک موضوع مهم اعتراض در میان پرستاران سطح نازل دستمزدهاست. همین الان بیانیه ای داده اند و گفته اند که ما با اعتصابات که داشتیم یکسری از معوقات مزدی مان پرداخت شده و به میزان کمی اضافه کاری اجباری را کاهش داده و به میزان اندکی پرداختی آنها بالا برده اند. اینها دستاورد مبارزات متحدانه ما بوده است، اما کافی نیست. ما پاسخ قطره چکانی را قبول نداریم و تا وقتی مطالبات مان جواب نگیرد ادامه میدهیم. و افزایش حقوق مطابق با نرخ تورم و سبب معیشتی در لیست مطالباتشان قرار دارد. و اگر سبب معیشت شصت میلیون است باید مزد آنها نیز به همین میزان افزایش یابد. کارگران در مراکز مختلف کارگری به اشکال مختلف بر سر مساله مزد دست به اعتراض میزنند. و بازنشستگان هم که میزان حداقل دستمزد مبنای برای تعیین حقوق و افزایش سالانه آنست، هر روزه در خیابان هستند. آنها هم یک شعار اعتراضی شان علیه شورابعالی کار است و از جمله با شعارهای "حقوق بازنشسته فقط واسه یک هفته" خواستار افزایش حقوقهایشان هستند. علاوه بر خواست افزایش دستمزدها، صدای اعتراض جامعه علیه تبعیض، علیه اختلاسها، علیه حقوقهای نجومی بلند است و برای یک زندگی انسانی فریاد میزنند.

حسن صالحی: اخیرا پزشکيان در نشستی که با سران سه قوه بر سر موضوع معیشت مردم داشتند صحبت کرده و بر اینکه به هر شکل ممکن تا قبل از عید نوروز وضعیت معیشت و سفره مردم را تأمین خواهند کرد و برای سال آینده آن روندی که معیشت مردم را اصلاح می کند را در پیش خواهند گرفت تا بتوانند پاسخگوی مردم باشند تاکید کرد. این در حالی است که آب مردم را نمیتوانند تأمین کنند. برق مردم را نمی

شهلا دانشفر: در شرایطی که اقتصاد بسوی سرازیری میرود و لحظه ای همه چیز گران میشود، فاجعه وضع بد معیشتی از این آمادی که اینجا داده شده، عظیم تر است. در بحث هایشان گفته بودند که نمیشود افزایش دستمزد ها را برای یک سال محاسبه کرد زیرا شکاف به حدی زیاد است که افزایش یکباره تورم زا خواهد بود. در حالیکه بدون افزایش ریالی به دستمزدها، نیازمندیهای حیاتی مردم از دارو و درمان گرفته تا سبب زمینی و برنج و روغن و غیره به یکباره چندین برابر افزایش قیمت پیدا کرده و بحثی هم نیست. اما وقتی از افزایش مزد صحبت میشود یاد تورم می افتند. از همین رو کارگران در اعتراضاتشان از افزایش دستمزدها در قدم اول متناسب با نرخ سبب معیشتی یعنی شصت میلیون صحبت کرده اند. شما در اعتراضات بازنشستگان می بینید که با شعار "حقوق بازنشسته فقط برای یک هفته" به سطح نازل حقوقها و بی تامینی ها صدای اعتراضشان بلند است. بگذریم که حقوقها حتی برای یک هفته هم کافی نیست. از جمله یکی از بازنشستگان در همان تجمعاتشان از این صحبت میکرد که با حقوقی که دریافت میکنند فقط میتوان ده عدد نان بخرد. و بابت عقب افتادگی هایش کلی مقروض است. آماری که شما اشاره کردید و واقعیتی که در کف خیابان شاهدش هستیم نشان میدهد که این حکومت چگونه معیشت مردم را به قعر دره فقر و نابودی رسانده است. از همین رو یک مساله عاجل مبارزه مردم همین مساله دستمزد و افزایش آنست. به همین دلیل است که مکارم شیرازی معروف به سلطان شکر میگوید که اگر نارضایتی ها به همین روال جلو برود انقلاب خواهد شد. این حرف و نگرانی حکومتیان است. این چنین است که بحث دستمزد، بطور واقعی بیان آن اعتراض عمیق جامعه به فقر و گرسنگی و اختلاسها و دزدی ها، و به سرکوبگریهای حکومت است. و اینها همه محور اعتراضات کل جامعه است.

حسن صالحی: شما وارد این مبحث و سمت و سوی دیگر بحث بر سر دستمزد یعنی کارگران و مطالباتشان اشاراتی کردید. در جبهه کارگران چه خیر است. هم به لحاظ خواستها و مطالبات و هم در زمینه دامنه اعتراضات و اعتصابات که هست اخبار چیست؟ فرض کنید الان ما اعتصاب کارگران ارکان ثالث در نفت را داریم که محور اصلی اعتراضشان دستمزد است. اگر ممکن است مقداری هم در این مورد توضیح دهید؟

شهلا دانشفر: همانطور که در برنامه دیگری هم صحبت کردیم، کارگران ارکان ثالث بزرگترین بخش کارگران در نفت هستند و این بخش از کارگران به لحاظ حقوقی تحت پوشش قانون کار جمهوری اسلامی هستند. به همین دلیل یکی از شعارهای اعتراضی آنها علیه شورای عالی کار بود و شعار می دادند: "شورابعالی کار یک مشت مفتخوریکار"، "شورابعالی کار نمیخوایم، نمیخوایم". این کارگران در تجمع اعتراضی ای که همین سه شنبه در شرکت پالایش فجر جم داشتند، شعار می دادند:



جامعه را برای به پیروزی رساندن انقلابشان نشان میدهد و جامعه با شتاب برای آن در حرکت است و باید خودمان را برای آن آماده کنیم.

حسن صالحی: بارها اتفاق افتاده که از بخش های مختلف کارگران و یا بازنشستگان جمع شده اند و در مقابل مجلس و دواير دولتی تجمع کرده اند. آیا امروز سازماندهی اعتراضاتی در چنین ابعاد امکان پذیر است؟ فکر میکنید همه این بخش ها میتوانند با هم جلو بیایند و تجمع بزرگی بر سر همین مساله دستمزد در مقابل این نهادهای دولتی برگزار کنند؟ این خودش فشاری بر روی حکومت و شورایعالی کارشان خواهد بود.

شهلا دانشفر: شرایط برای این کاری که میگویید کاملا آماده است. اتفاقا این موضوع گفتمان یکی از کانالهای گروههای بازنشستگان بود و میگفتند چرا همه ما بازنشستگان با هم قرار نگذاریم و یک روز برویم جلوی مجلس و اعتراض مان را یک کاسه کنیم و فریاد بزنیم. میخواهم بگویم که این امروز گفتمان خود مردم است. وقتی که 5 هزار کارگر ارکان ثالث با خانواده هایشان می آیند و راهپیمایی میکنند، آنهم در آن فضای شدت امنیتی نفت، نشان میدهد که این کار شدنی است. وقتی که بخش های مختلف بازنشستگان در کرمانشاه می آیند و شعارهای اعتراضی شان را سر میدهند و با شعارهای "رومیری را رها کن، فکری بحال ما کن"، "زندانی سیاسی آزاد باید گردد"، "درمان رایگان حق مسلم ماست"، "معیشت منزلت، حق مسلم ماست" پیگیر مطالباتشان میشوند، نشان میدهد امکان پذیر است. شهر به شهر میشود الگوی کرمانشاه را پیاده کرد و چنین تجمعات بزرگ و متحدی را بخش های مختلف بازنشستگان برگزار کنند. و با فریاد "شاعل و بازنشسته اتحاد اتحاد" پوستن به این تجمعات را شکل داد. فضای اعتراضات خیابانی را داغ کرد و به استقبال تجمعات سراسری تر رفت. به نظر من اکنون موضوع دستمزد موضوعی است که اعتراضات در نفت، اعتراضات بازنشستگان، اعتراضات پرستاران و اعتراضات بخش های مختلف کارگری را به هم متصل میکند. میشود حول مطالبه افزایش دستمزدها با پلانقرمی روشن، با فراخوانهای مشترک رفت بسوی تجمعات سراسری و در مقابل همان محلی که کمیته مزد جمهوری اسلامی در پشت درهای و از بالای سر کارگر مشغول رقم تعیین کردن بر سر مزد کارگر است، چنین تجمعات بزرگی را بر پا داشت. از همین الان میشود کمیته سازماندهی چنین اعتراضاتی را شکل داد و افرادی از تشکلهای مختلف کارگری پیشتازان چنین حرکتی باشند. این همه نهاد و گروه کارگری و اجتماعی هستند و میتوانند کمیته مزد کارگران را تشکیل دهند و چنین اعتراضاتی را تدارک ببینند و به استقبالش بروند.

حسن صالحی: بله در برابر کمیته مزد کارفرمایان و سرمایه داران و دولت، کمیته مزد کارگران را تشکیل دهند و مصاف جدی ای را بر سر دستمزد رقم بزنند و حکومت را به چالش بکشند.

شهلا دانشفر ممنون از شما که در این بحث شرکت کردید.

آخر سال و اعتراضات ...

از صفحه ۱۰

توانند تامین کنند. گاز مردم را نمیتوانند تامین کنند و جامعه فلج شده است. چشم انداز چیست؟ قرار است چه اتفاقی بیفتد؟ انتظارات جامعه انقدر بالاست و آن چیزی که هست جوابگوی نیازهایشان نیست و از طرفی هم حکومت فرمان داده که جلوی تجمعات را بگیرند. و چنین اقداماتی را در دستورشان گذاشته اند. اوضاع به کدام سمت میرود؟

شهلا دانشفر: چشم انداز همان است که مکارم شیرازی میگوید. او در اظهاراتی نگرانی اش را از اینکه اگر نارضایتی ها ادامه یابد انقلاب میشود بیان کرد. و این چیزی است که تک تک شان وحشت زده دارند از آن سخن میگویند. بر سر معیشت و اقتصاد اینها جلسه بحران برگزار کردند. همین جلسه ای که اشاره کردید سه قوه حکومت نشستند و بر سر این موضوع بحث داشتند. میگویند میخواهند مساله را حل کنند. معنای آن هم شدت دادن به سرکوب ها برای عقب زدن جامعه است. راهکارشان برنامه ریزی برای جلوگیری از تجمع و اعتراض است. برنامه ریزی برای امنیتی کردن فضای جامعه است. اقتصاد جمهوری اسلامی به معنای واقعی سقوط کرده و حتی توان پرداخت حقوقها را ندارند. همین الان یک معضل جامعه اعتراض برای گرفتن حقوقهای پرداخت نشده است که امروز با از کار افتادن چرخه تولید در بسیاری از مراکز کاری ابعاد بسیار گسترده تر و فراتری پیدا کرده است. ما الان با سونامی عدم پرداخت دستمزدها روبرویم. با سونامی بیکاری روبرویم. با سونامی گرانی و فقر روبرویم. و این فلج اقتصادی به معنا واقعی کلمه است. جامعه را به تعطیلی کشانده اند. برق را گران کرده اند و در عین حال با قطعی پیاپی آن روبرویم. مازوت سوزی میکنند و بعد بخاطر آلودگی شدید هوا مدارس و دانشگاهها و ادارات و محیط های کار را پی در پی تعطیل اعلام میکنند. آمار کشتار بخاطر آلودگی هوا بیداد میکند. معلوم است که این وضعیت میرود بطرف از هم پاشیدن این سیستم و در برابر جامعه به نقطه انفجار رسیده است. این وضعیت حکومتی در سراسرینی سقوط است و جامعه در اشکال مختلفی دارد ادامه انقلاب را فریاد میزند.

مردم ضعف و درماندگی حکومت را می بینند. مردم می بینند که این حکومت چه ضرباتی سنگینی در منطقه خورده است. مردم اقتصاد فلج و شکست های پی در پی حکومت را شاهدند. از همین رو با روحیه تر و امیدوار تر در صحنه هستند. جالب است دوستی میگفت قبلا وقتی قیمت دلار بالا میرفت مردم نگران میشدند. الان با خوشحالی میگویند، رژیم رفتنی است. مردم میگویند قیمت دلار بالا برود، پایین برود، ما همچنان بی خانمان هستیم. ما آب نداریم، ما برق نداریم، ما هوا نداریم، ما زندگی نداریم و ما بچه مان از تحصیل وامانده است. مردم می بینند که راه دیگری در مقابلشان نیست و زندگی ای انسانی را حق مسلم خود میدانند. به همین دلیل جامعه در یک نقطه انفجار و حکومت در یک نقطه سقوط قرار گرفته است. این تصویر شرایط امروز جامعه است. در چنین روندی مردم دارند صف اعتراضاتشان را سازمان میدهند. ما در تمام عرصه ها شاهد سازماندهی مبارزات مردمی هستیم. می

بینیم که چگونه شعارها یکدست و سراسری است. نمونه آن همین تجمع مشترک بازنشستگان در روز سه شنبه همین هفته در کرمانشاه بود که بخشهای مختلف آنها با همدیگر تجمع کردند و با شعار "نه جنگ میخواهیم، نه کشتار، رفاه میخواهیم ماندگار" اعتراضشان را فریاد زدند. این عزم

کارگر کمونیست

مسئولیت مطالب با نویسندگان آنهاست. درج مقالات در کارگر کمونیست لزوماً به معنی تأیید مضمون آنها از جانب نشریه نیست



ایران خودرو، سرقت اموال مردم با اسم رمز "واگذاری"

کارگر کارگاهی - حمید دائمی

عادلانه به کارگران- که عمدتاً زنان جوان و مجرد هستند و این انتخاب بی دلیل نبوده - تحمیل ساعات اضافه کاری شدید به کارگران و کارکنان و بهره کشی ۳ شیفت از نیروی کار معروف است. مدیران این شرکت سالهاست که با وعده و وعید و سرکوب و اخراج کارگران و پرداخت رشوه و حق حساب در دعوی نیروی کار به ادارت کار و تأمین اجتماعی، برای گسترش "مافیای قطعه سازی" برای چپیره زدن در بازار خودرو، زبانزد خاص و عام در ایران هستند.

برای معرفی، بهتر است نگاهی بیاندازیم به پرونده فساد مالی و جنایات اقتصادی "طرف منتخب معامله" از سوی "شورای نظارت بر خصوصی سازی" - نماینده حکام چپاولگر در معامله - که همچنان در مراجع قضایی باز است.

بر اساس کیفرخواست صادره، "حمید کشاورز توچایی متهم ردیف اول پرونده مشارکت عمده در اخلال در نظام اقتصادی کشور از طریق سردستگی و رهبری گروه مجرمانه در زمینه قاچاق حرفه‌ای و سازمانیافته قطعات خودرو به میزان ۳۳ هزار و ۹۶۱ میلیارد و ۶۸۶ میلیون و ۴۱۹ هزار و ۱۰۰ تومان در فاصله سال‌های ۹۲/۱۰/۷ تا ۹۹/۱/۲۲ از مجرای مشارکت در پرداخت رشوه به کارکنان گمرک متهم است". (خبرگزاری مهر - ۲ بهمن ۱۴۰۰)

حمید کشاورز همچنین به مشارکت در اخلال در توزیع مایحتاج عمومی از طریق گرانفروشی قطعات خودرو به عنوان نیازمندی‌های عمومی و تحصیل مال از طریق نامشروع به میزان ۲۲۰ میلیون و ۴۴۳ هزار و ۷۸ دلار آمریکا از شرکت‌های خودروسازی «سایپا» و «ایران خودرو» در حد فاصل سال‌های ۹۵ تا ۹۸ متهم است. (خبرگزاری مهر - ۲ بهمن ۱۴۰۰)

در کنار این موارد آقای حمید کشاورز (از صاحبان اصلی شرکت کروژ) همزمان یک پرونده پرداخت رشوه به حسین روحانی - برادر رئیس جمهور سابق - جهت تأثیر در روند انتخابات دوره حسن روحانی دارد که این مورد از روند بررسی‌های قوه قضائیه خارج شده است. منظور از ارائه این فکت‌ها این است که در مناسباتی که غارتگران و دزدان حاکم هستند، هیچ گربه‌ای برای رضای خدا موش نمی‌گیرد.

برای بهتر روشن شدن محتوای کثیف این تاراج اموال مردم بنام "واگذاری" و همه غارتگری‌های رژیم دزدان اسلامی نظرتان را به چند نکته جلب می‌کنم. اولاً در ایران اشغال شده توسط دزدان، هیچ رابطه و فعل و انفعال اقتصادی، بویژه در حوزه صادرات و واردات، از نظر نمایندگان حاکم جنایتکار خامنه‌ای دور نمی‌ماند. به عبارت ساده‌تر همه گمرکات زیر نظر مستقیم سپاه جنایتکاران اسلامی است. در نتیجه بدون هماهنگی و دادن حق حساب و رشوه به این نیروی زیر نظر رهبر آدمکشان، ممکن نیست. در بیشتر موارد این عملیات با شراکت مستقیم یکی از شرکت‌های وابسته سپاه و یا یکی از امرا و فرماندهان کثیف پاسداران دزدان حاکم صورت می‌گیرد.

نکته دیگر اینکه برای وارد کردن اتومبیل و قطعات آن، حضرات - در این مورد شرکت کروژ - با شراکت دادن عوامل پیش گفته و یا پرداخت رشوه از منابع ارز دولتی بهره‌مند می‌شوند. در بسیاری از موارد محصولات وارداتی الزاماً نه کیفیت لازم و نه موضوعیت لازم را داراست. تنها شیوه‌ای است که از کنار آن - یعنی از اختلاف قیمت آن - سود سرشاری نسبی این افراد می‌شود. این خود بحث گسترده‌ای است که تا

در میانه اخبار متعدد همچون گرانیها و بویژه گرانی سیب زمینی که مایه غافل گیری یا آچمز سران قوا هم شد و یا تعطیلی عمده کشور به بهانه کمبود انرژی و سوخت و مهم‌تر از همه موضوع اصلی خبرهای رسانه‌های حکومتی - برای سرخ نشان دادن صورت سیلی خورده رژیم - و رسانه‌های زرد-وابسته به سرمایه جهانی اعم از بی بی سی، وی او ای و دیگر رنگین رسانه‌ها - بر سر "آیا ترامپ می‌پذیرد یا نه" و بالاخره سقوط آزاد ارزش ریال در مقابل اوج گیری قیمت دلار و بموازات آن تورم افسار گسیخته و آب رفتن سفره معیشت مزدبگیران و بسیاری موضوعات بحث بر انگیز دیگر، خبر واگذاری ایران خودرو با هزاران کارگر نیز به درون مجامع و محافل - عمدتاً ذینفعان مغفول مانده - جا باز کرده و نقل مجلس شد.

در جریان این ماجرا با همه تلاش‌های دولت و شورای نظارت بر خصوصی سازی و در ادامه قوه قضائیه برای ماست مالی کردن و بی اهمیت جلوه دادن این نقل و انتقال، شوی مجمع عمومی سهامداران عمده شرکت ایران خودرو، "دم خروسی" بود که از نگاه تیز بین کارگران و جامعه دور نمانده و با رجوع به تجارب گذشته - هفت تپه، هپکو و هزاران نظیر آن - و نیز دقت در نحوه و طرف این واگذاری - شرکت "بی آبروی" کروژ - ماهیت این دزدی و چپاول آشکار و مذموم آشکار شد.

قبل از هر چیز با نگاه به طرفین معامله، یعنی شورای نظارت بر خصوصی سازی و شرکت بد سابقه کروژ می‌توان دریافت، هدف نهایی این خیمه شب بازی‌ها چیست؟ در یک کلام، دریافت حق حساب - رشوه و سهم معامله یا شتیل به اصطلاح عام - از سوی طرفین حکومتی و دولتی و از طرف دیگر یکه تازی و تصاحب بازار، قورت دادن و حذف رقبای بازار قطعه سازی و به تملک درآوردن صنعت پول ساز اتومبیل سازی، که به دروغ طی سالیان سال آن را زیان ده معرفی می‌کنند.

شورای نظارت اگر چه ابعاد جرم و جرایمش پنهان و هنوز برملا نشده است، تکلیفش معلوم است. این نهاد زیر نظر مستقیم سر دسته دزدان خامنه‌ای جنایتکار و سران سه قوه قرار دارد و ا تعداد زیادی هم اعوان و انصار از بخش‌های مختلف دولتی و حکومتی در آن درگیرند. وظیفه آنان در یک کلام، ایجاد بازار مکاره برای فروش اموال عمومی با شارلان بازی و استحصال حق حساب از طرف معامله که عموماً از افراد خیلی نزدیک به بیت - یعنی نه نسبی الزاماً؛ سببی به معنای خوب رشوه دهنده - و سهمین شدن در روند تاراج اموال شرکت‌ها که متعلق به مردم است و فروش و واگذاری به بهانه‌های مختلف؛ نظیر آنچه که در هفت تپه، هپکو، کیان تاپر و سایر شرکت‌ها و دارایی‌های مردم آمد.

هنوز فراموش نکرده‌ایم که هنگام جوش و خروش جامعه در جریان انقلاب زن زندگی آزادی، خامنه‌ای جنایتکار فرمان فروش اموال و "دارایی‌های دولت" - که در حقیقت اموال مردم است - را به سران سه قوه با شرط بدون توضیح و شفاف سازی برای جامعه و مردم را صادر کرد. این فرمان در آن زمان متأثر از فشار همه سویه جامعه انقلابی و هراس رژیم از سقوط قریب الوقوع بود. اینبار هم می‌تواند متأثر از فشاری باشد که جامعه خروشان کارگران و دیگر اقشار و طبقات برای مطالبات و خواسته‌های انقلابی، رژیم را به فرصت نقد کردن اموال و انتقال آن به حساب‌های مخفی و شخصی خود و تدارک فرار به حساب آورد.

اما طرف دیگر معامله، شرکتی است که غیر از اینکه به "بزرگترین قطعه ساز صنعت خودرو" معروف است، یکی از شرکت‌هایی است که در نپرداختن دستمزد



تجمع با شکوه و مشترک بازنشستگان در کرمانشاه "دشمن ما همینجاس، دروغ میگن آمریکاس"

امروز شانزدهم بهمن ماه بازنشستگان معلم و تامین اجتماعی، مخابرات و علوم پزشکی استان کرمانشاه به طور هماهنگ و طبق فراخوان از قبل اعلام شده تجمع اعتراضی مشترکی برپا کردند. این تجمع در اعتراض به تورم و گرانی افسار گسیخته و اختلاسهای نجومی و بدتر شدن هر روزه وضع معیشتی بازنشستگان صورت گرفت. در این تجمع بازنشستگان از خواستههایشان سخن گفتند و با فریاد شعارهای اعتراضی خود مطالباتشان را پیگیری شدند. در این تجمع همچنین یکی از سخنرانان پیرامون یکی از دستاوردهای جمعاعات و "آزادی رسول بدایق" سخن گفت و با گفتن "به امید روزی که در جهانی کسی بخاطر عقیده در زندان نباشد" شعار "بدایق، بدایق، آزادیت مبارک" را سر داد و جمعیت با کف زدن او را همراهی کرد.

فراخوان این تجمع از سوی نهادهای "انجمن صنفی فرهنگیان شاغل و بازنشسته کرمانشاه"، بازنشستگان مطالبه گر تامین اجتماعی کرمانشاه، "انجمن صنفی فرهنگیان اسلام آباد غرب، انجمن صنفی فرهنگیان هرسین و بازنشستگان مطالبه گر مخابرات و علوم پزشکی کرمانشاه داده شده بود.

در این تجمع اعتراضی با شکوه بازنشستگان شعار میدادند: "معلم زندانی آزاد باید گردد!"، "کارگر زندانی آزاد باید گردد!"، "دشمن ما همینجاس، دروغ میگن آمریکاس!"، "این هوای آلوده، قاتل قلب و ریه!"، "سگ هار تورم افتاده جان مردم!"، "تجمع اعتراض، حق مسلم ماست"، "دشمن ما همینجاس، دروغ میگن آمریکاس"، "بودجه

بندی دولت، برای فقر ملت"، "نه جنگ میخوایم، نه کشتار رفاه میخوایم، ماندگار"، "تجمع اعتراض حق مسلم ماست"، "تا حق خود نگیریم، از پا نمی نشینیم"، "با این حقوق ناچیز جانها به لب رسیده"، "از شعار تا عمل، وعده های بی ثمر"، "آب و برق و معیشت، دزدیده شد از ملت"، و "بیت المال و خزانه، جولانگاه دزدانه".

شعارهای بازنشستگان فریاد اعتراض همه مردم علیه اختلاسگران حاکم است. از خواستهها و مبارزات بازنشستگان وسیعا حمایت کنیم.

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۶ بهمن ۱۴۰۳، ۴ فوریه ۲۰۲۵

اینکه هدف از جابجایی نقش دولت با شرکتی مثل کروز، برای خاک پاشیدن در چشم جامعه و تاراج اموال مردم با گل آلود کردن آب و ایجاد شبهه در میان کارگران و مزدبگیران است. چرا که جابجایی مدیریت استعمار از کارگران و مزدبگیران؛ در اصل بهره کشی از نیرو کار تفاوتی ایجاد نمی کند و تنها فرصت جدیدی به چپاولگران برای تقسیم ثروت و ماحصل تلاش و کار مزدبگیران برای یک عده مفت خور جدید فراهم می آورد.

از اینرو جا دارد نه تنها کارگران ایران خودرو، سایپا و کروز، که همه جامعه کارگری و مزدبگیران به این فساد روشن و غارت گسترده اموال مان اعتراض کنیم. برای ما فرقی نمی کند کارفرما چه کسی است؟ دولت یا کروز. آنان برای غارت مجدد محصول زندگی مان مراسم جابجایی-از این جیب به آن جیب- تدارک دیده اند. در این میان شیره جان ما چپاول می شود. این در حالی است که جامعه و شیرازه اقتصاد آن از هم دریده شده و زحمتکشان و مزدبگیران قادر به تأمین حداقل نیازها برای زنده ماندن نیستند و فقر و فلاکت و گرسنگی و بی درمانی جان مردم را به لب رسانده و هستی ما را با خطرات جدی مواجه کرده است.

برای رهایی از این زندگی نکبت بار که همانا لایق بانیا نش است پیا خیزیم. چاره کار سرنگونی بساط این دزدان است که سالیان سال از اموال و هستی ما دزدیده اند. راه سرنگونی و رسیدن به منزلت انسانی؛ به پیروزی رساندن انقلاب زن زندگی آزادی و به کرسی نشاندن مطالبات انسانی مندرج در منشورهای پیشرو ماست. خود را برای تعرضات بیشتر و وسیعتر به صف غارتگران آماده کنیم. ضامن این پیروزی اعتراضات و اعتصابات گسترده و متحد است. برای رفتن ریشه این جنایتکاران پیاخیزیم.

معیشت، منزلت انسانی، حق مسلم ماست

سرنگونی رژیم دزدان سرمایه اسلامی شروع زندگی انسانی ماست

زنده باد انقلاب زن زندگی آزادی

از صفحه ۱۲

ایران خودرو، سرقت اموال ...

حدودی همگان خبر دارند. یکی دیگر از امتیازاتی که قطعه سازان بزرگ به نسبت شرکت های کوچک تر دارند، انحصاری کردن و حذف رقبای خود به واسطه هم واردات اقلام ارزان و بی کیفیت تر و هم کنترل و تأثیر در روند فروش و دریافت صورت حساب های معاملات. چرا که شرکت هایی نظیر ایران خودرو مبلغ کالا را هنگام خرید تسویه نمی کنند و این معمولاً به بیش از یکسال می کشد. که همین موضوع در این آشفته بازار سقوط آزاد ریال، ضرر و خساراتی را به تولید کنندگان خرد داخلی وارد کرده و لاجرم در دل شرکت های بزرگی مانند کروز حل و هضم می شوند. یکی دیگر از مسائلی که ما کارگران کارگاه ها بارها شنیده ایم؛ تعیین قیمت قطعات توسط کارشناسان اتومبیل سازی هاست نه بر اساس قیمت و ارزش واقعی خود قطعه. یعنی یک قطعه که ارزش واقعی آن در بازار ۱۰۰ تومان است را با قیمت توافقی ۱۲۰ تومان خریداری می کنند و ما به تفاوت آنرا بین عوامل پشت پرده و مدیران خودرو ساز تقسیم می کنند. این فساد و رانتخواری سال هاست که در این صنعت رایج است و یکی از علت های افزایش قیمت بدون منطق اتومبیل در ایران همین دزدی ها و غارتگری هاست.

در نتیجه، با اینکه ناگفته های پشت پرده این معامله بسیار بیش از آن چیزی است که بر شمردیم، اما در ماهیت این دزدی و فساد اثری ندارد. واقعیت این است که هدف دولت و عوامل حکومتی از این معامله به جیب زدن اموال و دارایی های مردم است و برای رسمی و قانونی جلوه دادن آن، هزار یک حیمه شب بازی و پشتک و وارو می زنند. حال آنکه معادله منطقی این است که این امثال به جامعه برگردد و مهم ترین اقدام این است که در روند چنین معاملاتی، کارگران و زحمتکشانی که آفریننده این ثروت و اموال هستند دخالت و نظارت کنند و نه کسانی که هیچ نقشی در تولید و وجود این دارایی نداشته و تنها مفت خوران و خونخواران این معادله هستند. دیگر



مقابل استانداری تجمع کردند.

سه شنبه ۱۶ بهمن:

- کارگران ارکان ثالث و پیمانکاری و رانندگان در شرکت پالایش گاز فجر جم برای پیگیری مطالبات خود دست به تجمع زدند. مطالبات فوری کارگران ارکان ثالث عبارتند از: افزایش مزد، حذف شرکت‌های پیمانکاری، اصلاح طرح طبقه‌بندی مشاغل، اجرای طرح اقماری تردد برای تمامی کارگران پیمانکاری، همسان‌سازی حقوق و استفاده از خدمات رفاهی پالایشگاه در شرایط برابر با سایر ارکان استخدامی، کرامت انسانی و امنیت شغلی، گاز کارت، مرخصی، اضافه کاری صحیح و اصولی، حقوق و مزایا متناسب با گرانی و وضعیت بازار و...

- بازنشستگان معلم و تامین اجتماعی، مخابرات و علوم پزشکی استان کرمانشاه به طور هماهنگ و طبق فراخوان از قبل اعلام شده تجمع اعتراضی مشترکی برپا کردند. در این تجمع یکی از سخنرانان پیرامون یکی از دستاوردهای تجمعات و "آزادی رسول بدایقی" سخن گفت و با گفتن "به امید روزی که در جهان کسی بخاطر عقیده در زندان نباشد" شعار "بدایقی، بدایقی، آزادیت مبارک" را سر داد و جمعیت با کف زدن او را همراهی کرد. فراخوان این تجمع از سوی نهادهای "انجمن صنفی فرهنگیان شاغل و بازنشسته کرمانشاه"، "بازنشستگان مطالبه گر تامین اجتماعی کرمانشاه"، "انجمن صنفی فرهنگیان اسلام آباد غرب، انجمن صنفی فرهنگیان هرسین و بازنشستگان مطالبه گر مخابرات و علوم پزشکی کرمانشاه داده شده بود.

- پنجاه و چهارمین هفته کارزار "سه‌شنبه‌های نه به اعدام" در زندانها ادامه یافت و پس از پیوستن زندان گنبد کاووس هم اکنون ۳۵ زندان در این کارزار بر علیه اعدام شرکت می کنند. در هفته گذشته شماری از زندانیان سیاسی زندان وکیل آباد مشهد که پیش‌تر برخی دیگر از آنان به این کارزار پیوسته بودند، به این کارزار پیوستند.

- کارگران شرکتی شاغل در شرکت بهره‌برداری شبکه‌های آبیاری و زهکشی کارون بزرگ در اعتراض به مشکلات معیشتی و عدم پاسخ به خواسته‌هایشان تجمع کردند.

- در کرمان کارگران پروژه تصفیه فاضلاب در ادامه اعتراضاتشان دست به تجمع زدند. مردم کرمان ۲۰ سال است که چشم انتظار اجرایی شدن این پروژه هستند اما نه فقط به اتمام نرسیده بلکه معوقات مزدی کارگران نیز پرداخت نشده است.

- معلولان طی بیانیه ای تحت عنوان "به خیابان بر می‌گردیم و بلندتر از قبل، حقمونو فریاد می‌زنیم" از آغاز دور جدید اعتراضاتشان خبر دادند. افراد دارای معلولیت تجمعات متوالی ای همراه با خانواده‌ها و در سطح سراسری در اعتراض به وضع بد معیشتی و درمانی خود داشته‌اند و در بیانیه بر تداوم اعتراضاتشان تاکید کردند.

- بازاریان تهران در خیابان‌های مولوی، خیام جنوبی و میدان قیام، در اعتراض به گرانی‌ها و بالا رفتن قیمت دلار و مشکلات معیشتی دست به اعتصاب و تجمع زدند. اعتصاب بازار نشانی بارز از فلج اقتصادی حکومت است.

- بیش از هزار نفر از شهروندان اراکی در اعتراض به مازوت‌سوزی نیروگاه که جان و سلامت مردم را به خطر انداخته است به خیابان آمدند و در پارک ملت این شهر تجمع کردند.

کارگران در هفته ای که گذشت : تنظیم کننده کارگر کمونیست

یکشنبه ۲۱ بهمن:

- بازنشستگان تامین اجتماعی همچون یکشنبه های دیگر مقابل این سازمان در شهرهای شوش، اهواز و تهران تجمع داشتند. در تهران در حالیکه برف می بارید بازنشستگان تامین اجتماعی همراه با معلمان بازنشسته دست نوشته هایی با مضامین خواسته‌هایشان بدست داشتند و تجمع کردند.

شنبه ۲۰ بهمن:

- شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران در اعتراض به احکام زندان برای ۵ معلم معترض در خوزستان و صدور شش سال حکم برای هریک از آنان فراخوانی اعتراضی اعلام کرده است. این فراخوان با حمایت بسیاری پاسخ گرفته است. اسامی این معلمان عبارتند از: پیروز نامی، علی کروشات، سیامک صادقی چهرازی و خانم کوکب بدایقی پگاه (فعالان صنفی خوزستان) و مسعود فرهیخته (فعال صنفی البرز) - مرتضی صیدی فعال کارگری بعد از دوهفته مرخصی ماه به زندان برگشت.

جمعه ۱۹ بهمن:

- کارگران و کارکنان شرکتی (ارکان ثالث) نفت و گاز کارون اهواز در شرکت مناطق نفتخیز جنوب طی خبری در مدیای اجتماعی از فشار سنگین کاری و کار در ساعات مختلف شبانه روز و آنکال بودن و استرس هر لحظه تماس بابت تعمیرات رفع نشتی و اتفاقات سرچاهی خبر میدهند.

- جمعی از معلمان، بازنشستگان، فعالان اجتماعی و سیاسی، هم بندیان سابق و نیز خانواده های دادخواه به پاس مبارزات رسول بدایقی معلم تازه آزاد شده، با او و خانواده اش دیدار همبستگی داشتند.

پنجشنبه ۱۸ بهمن:

- نوروز ذبیحی کارگر بازنشسته ساکن تهران که در هفتم بهمن ماه در جریان تجمع اعتراضی بازنشستگان در مقابل سازمان تامین اجتماعی دستگیر و هم اکنون در زندان اوین بسر میبرد. یک شعار اعتراضی بازنشستگان آزادی نوروز ذبیحی است.

- حسین واحدی، بازرس انجمن صنفی فرهنگیان خراسان شمالی، به حکم دادگاه تجدید نظر به یک سال زندان محکوم شد. شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران با اعلام این خبر و حمایت از حسین واحدی نوشت: زندان و سرکوب هرگز از اراده فرهنگیان در تلاش مستمر برای تحقق عدالت نخواهد کاست.

- کارگران رسمی شاغل در نفت در ادامه اعتراضات خود و بخاطر بی پاسخ ماندن مطالبات اعلام شده شان تجمع و اعتراض کردند.

- کادر درمان بیمارستان شهدای لردگان در ادامه اعتراضاتشان دست به تجمع زدند. بنا بر گزارشات مردم جنوب استان چهارمحال و بختیاری، شهرستان‌های سه گانه لردگان خانمیرزا و فلارد و نزدیک به ۴۰۰ روستا را در بر میگیرد و فقط یک بیمارستان با حداقل امکانات و نیرو به این جمعیت با یک جغرافیای وسیع خدمت‌رسانی می‌کنند.

چهارشنبه ۱۷ بهمن:

- روز ۱۷ بهمن‌ماه کامران ساختمانگر فعال کارگری و زندانی سیاسی پیشین توسط نیروهای اداره اطلاعات در سنندج بازداشت و به مکان نامعلومی منتقل شد. کامران ساختمانگر باید فوراً و بدون قید و شرط آزاد شود.

- کارگران شرکتی شرکت ارتباطات خوزستان در اعتراض به مشکلات معیشتی خود



- کارگران قند شوش در ادامه تجمعات چند روزه خود در اعتراض به سطح نازل حقوقها و عدم اجرای طرح طبقه بندی مشاغل و اخراج شماری از همکارانشان و با مطالبه افزایش حقوقها و بهبود شرایط کاری شان دست به تجمع زدند. زیر فشار این اعتراضات در این روز سرپرست فرمانداری شوش با حضور در محل نمازخانه کارخانه وعده پیگیری مطالبات کارگران را داد. اما کارگران خواستار اجرای فوری وعده های داده شده هستند. این کارگران چندین سال است که پیگیر این موضوعات بوده و آخرین بار مدیریت وعده اجرای طرح طبقه بندی تا فروردین سال جاری را داد بود. اما یازده ماه گذشت و اقدامی صورت نگرفت. بخش دیگری از مطالبات این کارگران مربوط به پرداخت نشدن هزینه یک وعده غذا در کارخانه است که جزو حقوق آنها بوده است. کارگران میگویند دستمزد و مزایای آنها در مقایسه با دیگر کارگران شرکتهای تولیدی منطقه (که کار مشابه انجام می دهند) متفاوت و کمتر است

- ماه منیر مولایی راد، مادر دادخواه کیان پیرفلک که در جریان انقلاب زن زندگی آزادی با شلیک گلوله جنایتکاران حکومت اسلامی جانباخت، می گوید: "من ماه منیر مولایی راد هستم. مادر جاویدنام کیان پیرفلک. بنا به دلایلی مجبورم این پیچ، که برای زنده نگه داشتن نام و یاد کیان و پویای عزیزم بود و تنها صفحه رسمی بنده می باشد را ببندم." ماه منیر مولایی راد صدای رسای جنبش دادخواهی در ایران است. حکومت اسلامی از صدای این عزیزان وحشت دارد. از او حمایت کنیم.

دوشنبه ۱۵ بهمن

- بازنشستگان مخابرات همچون دوشنبه های گذشته در شهر اهواز برای پیگیری مطالباتشان در سطح سراسری تجمع کردند. بازنشستگان مخابرات در شهرهای مختلف با شعاردهی علیه سهامداران عمده مخابرات یعنی ستاد اجرایی و تعاون سپاه بساط چپاول و غارت حاکم را به چالش می کشند.

یکشنبه ۱۴ بهمن

- بازنشستگان تامین اجتماعی در اهواز و شوش در ادامه یکشنبه های اعتراضی سراسری خود، مقابل اداره کل این سازمان در خوزستان تجمع کرده و پیگیر مطالبات خود شدند.

- بازنشستگان فولاد در اهواز همچون یکشنبه های هر هفته در اعتراض به فقر و بی تامینی در مقابل موسسه صندوق حمایت و بازنشستگی کارکنان فولاد تجمع کردند.

از خوزستان خبر میرسد؟

۱۹-۱۲ بهمن ۱۴۰۳



کمیته سازمانده - واحد خوزستان
حزب کمونیست کارگری ایران
Worker-Communist Party of Iran

اخبار هفته: واحد خوزستان کمیته سازمانده حزب کمونیست کارگری

جمعه ۱۹ بهمن

- صد و چهارده روز از انتقال معین خنفری، علی مجدم، محمدرضا مقدم و عدنان موسوی، چهار زندانی سیاسی عرب محکوم به اعدام به سلولهای انفرادی زندان سپیدار اهواز گذشت و این موضوع موجب نگرانی خانواده و دوستان و همگان شده است. احکام اعدام آنها باید فوراً لغو شود. به مجازات شنیع اعدام باید فوراً خاتمه داده شود.

- کارگران و کارکنان شرکتی (ارکان ثالث) نفت و گاز کارون اهواز در شرکت مناطق نفتخیز جنوب طی خبری در مدیای اجتماعی از فشار سنگین کاری و کار در ساعات مختلف شبانه روز و آنکال بودن و استرس هر لحظه تماس بابت تعمیرات رفع نشتی و اتفاقات سرچاهی خبر میدهند. کارگران ارکان ثالث یک بخش بزرگ و معترض شاغل در نفت هستند.

- احمد صگوری، زندانی سیاسی در پی عدم رسیدگی پزشکی در وضعیت نامناسب جسمانی به سر می برد. احمد صگوری با ۵ سال حبس در زندان شیبان اهواز بسر میرد و علیرغم بیماری های حاد از مراقبت های پزشکی محروم شده و جاننش در خطر است. محرومیت از دارو بخشی از شکنجه روحی و جسمی حکومت بر روی زندانیان است. همراه با خانواده های زندانیان سیاسی صدای اعتراض خود را علیه این سیاست جنایتکارانه و بازداشت و سرکوبگریهای حکومت بلند کنیم. تمامی زندانیان سیاسی باید فوراً و بدون قید و شرط آزاد شوند.

پنجشنبه ۱۸ بهمن

- سیاست های تخریبی محیط زیستی به معضلی معیشتی برای مردم تبدیل شده است. وزش شدید باد که از روز گذشته آغاز شد امروز موجب سقوط درختان بر روی سیم های برق و قطعی آن در منطقه امانیه اهواز شد. همچنین خاموشی برق در اهواز و استان خوزستان به یکی از مشکلات مردم و موضوعی داغ تبدیل شده است. با اعلام جدول خاموشی و زمان قطعی برق در اهواز، بسیاری از ساکنان این منطقه با مشکلات جدیدی مواجه شده اند

چهارشنبه ۱۷ بهمن

- کارگران شرکتی شرکت ارتباطات خوزستان در اعتراض به مشکلات معیشتی خود مقابل استانداری تجمع کردند.

- بر اساس اعلام اداره کل آموزش و پرورش خوزستان، فعالیت آموزشی مدارس نوبت صبح در شهرستان های اهواز، کارون، باوی، حمیدیه، دشت آزادگان، هویزه، آبادان، شادگان و خرمشهر حداکثر تا ساعت ۱۲:۳۰ به پایان خواهد رسید. مازوت سوزی، و آلودگی هوا قربانیان زیادی از مردم گرفته و بخشی از جنایت حکومت علیه مردم است. اعتراض علیه آلودگی هوا یک موضوع اعتراضات مردمی است.

سه شنبه ۱۶ بهمن



- روز گذشته کارگران شرکتی شرکت ارتباطات خوزستان در اعتراض به مشکلات معیشتی خود مقابل استانداری تجمع کردند.

- دو روز پیش از این یعنی در تاریخ ۱۶ بهمن بیش از هزار نفر از شهروندان اراکی در اعتراض به مازوت‌سوزی نیروگاه که جان و سلامت مردم را به خطر انداخته است به خیابان آمدند و در پارک ملت این شهر تجمع کردند. در این حرکت اعتراضات مردم معترض شعار میدادند: "اراک رو به زواله، مجلس چه بی‌خیاله" و "وزیر نفت و نیرو استعفا استعفا"، "مازوت‌سوزی جنایته، سکوت ما خیانته"، و "هوای ما آلوده، مسئول ما آسوده".

حزب کمونیست کارگری ایران - ۱۸ بهمن ۱۴۰۳، ۶ فوریه ۲۰۲۵

تجمع کارگران رسمی نفت در لاوان و چند خبر دیگر

روز هجدهم بهمن ماه کارگران رسمی شاغل در نفت در ادامه اعتراضات خود و بخاطر بی پاسخ ماندن مطالبات اعلام شده شان تجمع و اعتراض کردند. اهم خواسته‌های این کارگران عبارتند از: حذف تفکیک مشاغل در مناطق عملیاتی، خارج نمودن فوق العاده های مناطق عملیاتی از سقف حقوق، اصلاح کف حقوق برای کارگران جدید استخدام، عدم ادغام صندوق بازنشستگی نفت با سایر صندوقهای ورشکسته، حذف کامل سقف بازنشستگی و پرداخت کامل سنوات کارگران، بازگرداندن مالیاتهای وضع شده مطابق با قوانین موجود، اجرای کامل مفاد ماده ۱۰ و پرداخت معوقات آن.

در این روز همچنین کادر درمان بیمارستان شهدای لردگان در ادامه اعتراضاتشان دست به تجمع زدند. بنا بر گزارشات مردم جنوب استان چهارمحال و بختیاری، شهرستان‌های سه گانه لردگان خانمیرزا و فلارد و نزدیک به ۴۰۰ روستا را در بر میگیرد و فقط یک بیمارستان با حداقل امکانات و نیرو به این جمعیت با یک جغرافیای وسیع خدمت‌رسانی می‌کنند. یک اعتراض کادر درمان به کمبود نیرو و اضافه کاری های اجباری و سطح نازل حقوقهایشان است. وضعیت نابسامان کاری و معیشتی پرستاران مستقیماً بر کاهش سطح درمان و بهداشت تاثیر میگذارد. از اعتراضات پرستاران و کادر درمان وسیعاً حمایت کنیم.

تجمع و راهپیمایی کارگران ارکان ثالث شرکت پالایش گاز فجر جم



عملیاتی، خارج نمودن فوق العاده های مناطق عملیاتی از سقف حقوق، اصلاح کف حقوق برای کارگران جدید استخدام، عدم ادغام صندوق بازنشستگی نفت با سایر صندوقهای ورشکسته، حذف کامل سقف بازنشستگی و پرداخت کامل سنوات کارگران، بازگرداندن مالیاتهای وضع شده مطابق با قوانین موجود، اجرای کامل مفاد ماده ۱۰ و پرداخت معوقات آن.

دامنه اعتراضات کارگران ارکان ثالث گسترده تر شده و بر فضای اعتراض در نفت بیش از پیش تاثیر گذاشته است. مطالبات و شعارهای اعتراضی این کارگران فریاد اعتراض همه کارگران و مردم است. از مبارزات کارگران نفت وسیعاً حمایت کنیم.

حزب کمونیست کارگری ایران - ۱۶ بهمن ۱۴۰۳، ۴ فوریه ۲۰۲۵

بنا بر گزارش منتشر شده از سوی شورای سازماندهی اعتراضات کارگران غیر رسمی (ارکان ثالث) امروز سه شنبه ۱۶ بهمن ۱۴۰۳ کارگران ارکان ثالث و پیمانکاری و رانندگان در شرکت پالایش گاز فجر جم برای پیگیری مطالبات خود دست به تجمع زدند. در این تجمع اعتراضی کارگران با شعار "یک کلام، یک کلام، مزد بدون تبعیض، والسلام، والسلام" عزم خود را برای ادامه مبارزه تا رفع تبعیض ها اعلام کردند. مطالبات فوری کارگران ارکان ثالث عبارتند از: افزایش مزد، حذف شرکت‌های پیمانکاری، اصلاح طرح طبقه‌بندی مشاغل، اجرای طرح اقماری تردد برای تمامی کارگران پیمانکاری، همسان‌سازی حقوق و استفاده از خدمات رفاهی پالایشگاه در شرایط برابر با سایر ارکان استخدامی، کرامت انسانی و امنیت شغلی، گاز کارت، مرخصی، اضافه کاری صحیح و اصولی، حقوق و مزایا متناسب با گرانی و وضعیت بازار و...

روز گذشته پانزدهم بهمن ماه نیز کارگران رسمی شاغل در نفت در ادامه اعتراضات خود و بخاطر بی پاسخ ماندن مطالبات اعلام شده شان تجمع کردند. اهم خواسته‌های این کارگران عبارتند از: حذف تفکیک مشاغل در مناطق

از خوزستان چه خبر...

جمعه ۱۲ بهمن

- بیش از بیست روز از بازداشت طارق کعبی اهل شهرستان شوش از توابع استان خوزستان و از کارگران هفت تپه، توسط نیروهای امنیتی گذشته است و تاکنون اطلاعاتی از سرنوشتش در دسترس نیست. این موضوع موجب نگرانی خانواده و همکارانش شده است. طارق کعبی روز چهارشنبه ۱۹ دی‌ماه در حال رفتن به محل کارش در شرکت هفت تپه در داخل سرویس شرکت توسط ماموران اطلاعات

حکومت بازداشت شد.

طارق کعبی، ۲۹ ساله اهل شهرستان شوش و از کارگران شرکت هفت تپه می‌باشد. طارق برادر دو زندانی سیاسی ماهر و احمد کعبی است. پیشتر ماهر کعبی پس از گذراندن ۱۰ سال حبس از زندان اردبیل آزاد شده بود. احمد کعبی نیز هم اکنون در زندان مرکزی کرمان زندانی است.

واحد خوزستان - کمیته سازمانده حزب کمونیست کارگری

۱۹ بهمن ۱۴۰۳، ۷ فوریه ۲۰۲۵

از صفحه ۱۵

تجمعات بازنشستگان مخابرات، کارگران ارکان ثالث، شرکت چرخشگر، و اخباری دیگر



امروز پانزدهم بهمن ماه بازنشستگان مخابرات در ادامه دوشنبه های اعتراضی در شهرهای مختلفی تجمع کردند. این تجمعات در این هفته در شهرهای تبریز، کرمانشاه، ایلام، بیجار، تهران، اهواز، خرم آباد، شهرکرد، مریوان، زنجان، شیراز، و سنندج برگزار شدند.

در تهران بازنشستگان تجمع و راهپیمایی داشتند و در پاسخ به صحبت های روز گذشته خامنه ای شعار میدادند: "دشمن ما همین جاست، دروغ میگن آمریکاست" در کرمانشاه هم اعتراض به صورت تجمع و راهپیمایی انجام گرفت. دیگر شعارهای بازنشستگان در این تجمعات عبارت بودند از: "حقوق بازنشسته فقط برای یک هفته!"، "فریاد، فریاد، از اینهمه بیداد!"، "عزت بازنشسته احیا باید گردد"، "تا حق خود نگیریم دوشنبه ها می آیم"، و "مدیر بی تفاوت نمیخوایم، نمیخوایم"، "سهامدار ظالم حق ماها رو خورده"، "بخور، بخور تو کاره، این بهترین شعاره"، "سهامدار عمده، حق ماها رو خورده!"، و "فقط کف خیابان، به دست میاد حقمان!"

اعتراض بازنشستگان به فقر و بی تأمینی و به اختلاس و سرکوبگریهاست. بازنشستگان مخابرات همچنین به اجرا نشدن آیین نامه ی استخدامی و رفاهی ۱۳۸۹ و پاسخ ماندن خواسته های خود اعتراض دارند و سهامداران عمده شرکت یعنی ستاد اجرایی فرمان امام و بنیاد تعاون سپاه هدف شعارهای اعتراضی آنان علیه دزدی ها هستند.

همچنین در این روز در تبریز کارگران شرکت چرخشگر تبریز در اعتراض به مشکلات معیشتی و خلف وعده ها دست به اعتصاب زدند. در برابر مطالبات کارگران ده روز قبل مدیران این شرکت وعده داده بودند که تا ده روز آینده نسبت به حل درخواست کارگران اقدامات لازم را انجام خواهند داد. اما نه تنها اقدامی صورت نگرفت بلکه مدیران این شرکت اضافه کاری بعدازظهر کارگران را حذف نمودند.

در این روز در همدان نیز اعضای پروژه مسکن ملی ۴۸۰ واحدی شهرک فرهنگیان که از سال ۱۳۹۹ منتظر تکمیل پروژه هستند دست تجمع کردند. به گفته معترضین الان مدتی است که ساخت پروژه متوقف شده و پولهای آنها را به جیب زده اند و کسی هم پاسخگو نیست.

آخرین خبر مربوط به امروز یورش وحشیانه سرکوبگران حکومت به منازل مسکونی مردم در روستای منزل آب و لوچو در سیستان و بلوچستان است. بنا بر گزارشات منتشر شده در شبکه های اجتماعی صبح امروز نیروهای بنیاد مسکن و اداره راه و شهر سازی در همراهی با ده ها نیروی نظامی و امنیتی و با دست کم ۳۰ دستگاه خودرو سبک و ماشین آلات سنگین به این روستا یورش برده و اقدام به تخریب منازل مسکونی شهروندان کردند. طبق خبر در جریان این یورش وحشیانه دست کم دو نفر بر اثر ضربات باتوم مجروح شده و سه نفر دیگر با خشونت بازداشت شدند.

جمهوری اسلامی مردم را در بی تأمینی مطلق رها کرده است. بویژه در مناطقی

۱۶ بهمن: سه شبه های نه به اعدام، تجمعات کارگران کارون بزرگ، کارگران پروژه تصفیه فاضلاب کرمان، و بازاریان تهران

امروز شانزدهم بهمن ماه پنجاه و چهارمین هفته کارزار "سه شبه های نه به اعدام" در زندانها ادامه یافت و پس از پیوستن زندان گنبد کاووس هم اکنون زندانیان ۳۵ زندان در این کارزار بر علیه اعدام شرکت می کنند. در هفته گذشته شماری از زندانیان سیاسی زندان وکیل آباد مشهد که پیش تر برخی دیگر از آنان به این کارزار پیوسته بودند، به "سه شبه های نه به اعدام" پیوستند. در قسمتی از بیابانه زندانیان اعتصابی در این کارزار چنین آمده است "کارزار نه به اعدام در سراسر ایران و اعتصاب غذای سه شبه های زندانیان، در حال تبدیل شدن به یک کنش همگانی است و هر هفته نیز گسترش می یابد. باشد که این کارزار، کمک ناچیزی به مبارزات آزادی خواهانه ی مردم و جوانان دلیر و بی باک برای آزادی میهن اسیرمان و رفع فساد و تبعیض باشد."

حزب کمونیست کارگری قاطعانه از کارزار سه شبه های نه به اعدام حمایت کرده و همگان را به پیوستن و حمایت از این کارزار فرا میخواند. جنبش علیه اعدام جنبشی اجتماعی است. امروز شانزدهم بهمن ماه جمشید عزیزی زندانی سیاسی که در مرخصی به سر می برد مقابل زندان لاکان رشت رفت و آهنگ بلاچاو را با ساز دهنی (هارمونیکا) در حمایت از منوچهر فلاحتی زندانی سیاسی محکوم به اعدام نواخت و با انتشار کلیپ فوق نوشت: منوچهر فلاحت را از خودم بهتر می شناسم. کارگری با دستانی مهربان و چهره ای خندان، که در بند میثاق، مادرانه هوای زندانیان را دارد. قبلاً در یک فایل صوتی از او گفتم و درخواست عفو را داشتم، اما گویا ماشین اعدام، برای سرپوش گذاشتن بر ناتوانی خود در اداره ی کشور، می خواهد با صدور احکام سنگین علیه زندانیان سیاسی، وحشت بیافریند. منوچهر بی گناه است. او صدای اعتراض ماست.

کارگران شرکتی شاغل در شرکت بهره برداری از شبکه های آبیاری و زهکشی کارون بزرگ در اعتراض به وضع بد معیشتی و عدم پاسخگویی به خواسته هایشان تجمع کردند. به گفته کارگران از سال ۹۵ حدود ۱۵۰ کارگر شرکتی طرح آبیاری کارون بزرگ خواهان تبدیل وضعیت و عقد قرارداد مستقیم با کارفرما بودند که از این تعداد حدوداً ۸۰ نفر از آنان قبل از سال ۱۴۰۰ تبدیل وضعیت شده اند. اما وضعیت استخدامی حدود ۳۵ کارگر هنوز نا روشن است. این شرکت وابسته به سازمان آب و برق خوزستان است.

در کرمان کارگران پروژه تصفیه فاضلاب در ادامه اعتراضاتشان دست به تجمع زدند. مردم کرمان ۲۰ سال است که چشم انتظار اجرایی شدن این پروژه هستند اما نه فقط به اتمام نرسیده بلکه معوقات مزدی کارگران نیز پرداخت نشده است. در همین رابطه یکشنبه گذشته کارگران شرکت مانا در اعتراض به تعویق پرداخت ۴ ماه مزد مقابل مجموعه کارگاهی پروژه تصفیه خانه کرمان دست به تجمع زدند و علیرغم وعده های داده شده اقدامی نشد. در اعتراض به خلف وعده ها این کارگران در پانزدهم بهمن ماه گیت دوم تصفیه خانه را بستند و از ورود پرسنل جلوگیری کردند. صبح امروز نیز نیروهای بهره برداری که تا چندی پیش نیروی شرکت بلداجی بودند در تصفیه خانه قدیمی بابت معوقات حقوق خود دست به اعتصاب زده اند.

معلولان طی بیانیه ای تحت عنوان "به خیابان بر می گردیم و بلندتر از قبل، حقمونو فریاد می زنیم" از آغاز دور جدید اعتراضاتشان خبر دادند. افراد دارای معلولیت تجمعات متوالی ای همراه با خانواده ها و در سطح سراسری در اعتراض به وضع بد معیشتی و درمانی خود داشته اند و در بیانیه بر تداوم اعتراضاتشان تاکید کردند.

بازاریان تهران در خیابان های مولوی، خیام جنوبی و میدان قیام، در اعتراض به گرانی ها و بالا رفتن قیمت دلار و مشکلات معیشتی دست به اعتصاب و تجمع زدند. اعتصاب بازار نشانی بارز از فلج اقتصادی حکومت است.

حزب کمونیست کارگری ایران - ۱۶ بهمن ۱۴۰۳، ۴ فوریه ۲۰۲۵



مراکز نفتی یک سنگرم مهم اعتراضات کارگری منصور کارگر ارکان ثالث

رهبر جمهوری اسلامی در بازدید از یک نمایشگاه مجدداً تأکید خود را بر حمایت همه جانبه از بخش خصوصی اعلام نمود.

قبل از آن پزشکین رئیس جمهور حکومت در یک مصاحبه تلویزیونی و سپس در سخنرانی اش در اهواز صراحتاً اعلام نمود که برای رسیدگی به خواسته های مزدی و حل مشکلات کارگران، پرستاران، معلمان و بازنشستگان پول نداریم.

اصرار خامنه ای بر کوبیدن بر طبل حمایت از بخش خصوصی در شرایطی که همه بخشهای تولیدی- اقتصادی گریبانگیر بحران پول و سرمایه هستند و همزمانی آن با اعلام بی پولی از سوی پزشکین، در روزهای منتهی به عید نوروز، صدای کارگران و مزدبگیران و بازنشستگان جامعه را در آورد.

در روزهایی که حکومت می کوشید با براه انداختن کارناوال های پر هزینه مناسبتی بهمن ماه، افکار عمومی را از اخبار مربوط به تعیین مزد در شورای فرمایشی عالی کار دور نماید و جیره بگیران حکومتی در اشکال و لباسهای مختلف در تلاشند تا با بزرگنمایی تصمیمات مجلس و تشخیص مصلحت نظام، با طرح تبدیل وضعیت استخدامی کارگران نفت، سناریویی ترتیب دهند تا دست کم برای چند روزی اعتراضات کارگری را به سکوت بکشانند، کارگران نفت با تجمعات اعتراضی خود تمامی تبلیغات و عوامفریبی های حکومت و عواملش را نادیده گرفتند، و پاسخ همه این تشبیهات حکومتی را با ادامه اعتراضاتشان دادند.

روزشماری از اعتراضات همکاران ارکان ثالث تصویر روشنی از این اعتراضات بدست میدهد.

سه شنبه دوم بهمن ماه کارگران پیمانکاری سایت پتروشیمی نگین مکران، در اعتراض به مزد پرداخت نشده ماههای مهر، آبان، آذر و دی توسط پیمانکار پروژه تجمع کردند. زیر فشار این حرکت اعتراضی فقط مزد مهرماه آنها پرداخت شد. آنها با وجود همه تهدیدات کارفرما و پیمانکار پروژه در تاریخ ۲۰ بهمن با فاصله ۱۸ روز مجدداً دست به اعتصاب و تجمع زدند و پیگیری مطالبات خود شدند.

روز ۶ بهمن بیش از دو هزار کارگر ارکان ثالث از بخشهای مختلف با تجمع و شعارهای کوبنده بر علیه سیستم ضد کارگری و تماماً فاسد، مقابل عالی ترین نهاد حکومتی، دفتر رییس جمهوری در تهران تجمع کردند و با وجود حضور نیروهای انتظامی و امنیتی، اعتراض خود را نسبت به شرایط معیشتی شان اعلام نمودند. در این تجمع اعتراضی کارگران معترض شعار می دادند: "اسمش وزیر کاره، حامی پیمانکاره"، "ما پیمانکار نمیخوایم، ما استعمار نمیخوایم"، "ارکان ثالث بیدار است، از استعمار بیزار است"، "وعده وعید کافیه، سفره ما خالیه"، "حقوق عادلانه، حق مسلم ماست". علاوه بر این شعارها که از بلندگو پخش میشد شعارهای دیگری از جمله "اتحاد، اتحاد علیه ظلم و فساد"، "معیشت، منزلت حق مسلم ماست" در میان جمعیت سر داده شد.

این اعتراضات حکومت را به هراس انداخت و بخشهای مختلف آنرا به واکنشی واداشت و بخصوص برخی از نمایندگان مجلس با نام بردن از این تجمع خواستار رسیدگی فوری به خواست کارگران نفت شدند.

به فاصله تنها دو روز یعنی در ۸ بهمن کارگران ارکان ثالث و پیمانکاری شرکت پالایش گاز فجر جم، با وجود فشارهای حراستی و امنیتی اعتصاب و تجمع کردند و شعار میدادند: "شورای عالی کار، یه مشت مفتخور بیکار"، "وعده وعید کافیه، سفره ما خالیه"، "دستمزد عادلانه حق مسلم ماست".

بدینگونه با وجود تمامی وعده های دروغین مدیران و تهدیدات حراست و امنیتی کردن منطقه نه تنها کارگران سکوت نکردند بلکه با خشمی فراتر از قبل تنها در فاصله هشت روز بعد، در تاریخ ۱۶ بهمن به اعتصاب و اعتراض دست زدند.

کارگران در پاسخ به تهدیدات از بالا این بار شعار می دادند: "سلام، سلام، مزد بدون تبعیض یک کلام، یک کلام".

کارگران ارکان ثالث و پیمانکاری نفت فلات قاره لاوان نیز در یازدهم و هجدهم بهمن به فاصله یک هفته در دو نوبت دست از کار کشیدند و با تجمع اعتراضی خود با کارگران شرکت پالایش گاز فجر جم اعلام همبستگی نمودند.

پس از آن نیز کارگران ارکان ثالث سکوهای دریایی در تاریخ ۱۴ بهمن با آغاز مجدد اعتراضات خود دقیقاً در روزهای مناسبتی حکومت، دست از کار کشیدند و با تجمع و انتشار تصاویر آن اعتراض به وضع موجود را اعلام و با اعتراضات کارگران دیگر بخشهای نفت همصدا گردیدند.

با اعتصاب و تجمع کارگران سکوهای دریایی کیوان و دیگر سکوهای نفتی، یک روز بعد در تاریخ ۱۵ بهمن کارگران ارکان ثالث سکوهای دریایی نفت و گاز هم به اعتراضات پیوستند و با اعتصاب و تجمع و انتشار تصاویر، اعتراض خود را اعلام نمودند.

در همان روز یعنی ۱۵ بهمن کارگران رسمی نفت فلات قاره منطقه لاوان هم در همبستگی با اعتراض همکاران خود در لاوان از اعتراضات سراسری نفت اعلام حمایت نموده و ضمن اعتصاب و تعطیلی امور جاری شغلی با تجمع اعتراضی خواسته هایشان را با پارچه نوشته ها و انتشار تصاویر اعلام کردند.

اعتراضات کارگران ارکان ثالث نفت در روزهای مناسبتی، تبلیغاتی حکومت پیام رسا و مهمی داشت و به عبارت روشنتر مهر فضای اعتراضی جامعه بعد از انقلاب زن زندگی آزادی را بر خود داشت. کارگرانی که در برابر بساط فقر و استثمار و بربریت حاکم ایستاده و با اولتیماتوم "این آخرین پیام است، اگر که ما نباشیم کار شما تمام است آخرین حجت خود را کردند. کارگرانی که دست به بنیادهای ساختاری حکومت برده و بر کوتاه شدن دست پیمانکاران تأکید دارند. و به هیچ وجه از خواستههایشان کوتاه نمی آیند و در روزها و ماه های مناسبتی و تبلیغاتی حکومت، به هیچ وجه مسیر عوامل ساختار مافیایی حکومت، اتحادیه ها و انجمن های دولت ساخته و دست نشانده حکومت را بر نمیتابند. کارگران ارکان ثالث با شروع بهمن ماه در تمامی اعتراضات خود اعلام نمودند که تا تحقق کامل خواسته های شان در اتحاد و همبستگی با سایر بخشهای اعتراضی به مبارزه بر علیه ساختار سرمایه داری و ماشین سرکوبش قرار دارند و با اشکال مختلف اعتراضی به این کشمکش و مبارزه ادامه خواهند داد.

از صفحه ۱۷

تجمعات بازنشستگان مخابرات، ...

چون سیستان و بلوچستان که فقر و محرومیت بیداد میکند. و وقتی مردم برای خود آلودگی می سازند نیروهای سرکوب با شقاوت تمام این آلودگها را سر آنها خراب میکنند. جمهوری اسلامی بر دریایی از خشم و نفرت مردم حکومت میکند و یک کانون داغ اعتراضات مردمی استان محرومی چون سیستان و بلوچستان است.

خبر دیگر مربوط به روز گذشته چهاردهم بهمن ماه است. در این روز کارگران ارکان ثالث در سکوی کیو وان (Q1) و چند سکوی فرعی دیگر در اعتراض به رای ۳۱۸۸ و اجرای نادرست و ناقص طبقه بندی مشاغل، تجمع اعتراضی برگزار کردند. یک خواست کارگران ارکان ثالث اجرای کامل طرح طبقه بندی مشاغل و افزایش حقوقهایشان متناسب با افزایش نرخ تورم و نرخ سبد معیشتی است.

حزب کمونیست کارگری ایران - ۱۵ بهمن ۱۴۰۳، ۳ فوریه ۲۰۲۵